

۶۳ سال پیش حزب کمونیست ایران تشکیل شد

در صفحه ۵

بیانیه کمیته برون مرزی حزب توده ایران

پنج ماه پس از آغاز تهاجم همه جانبه امپریالیسم و ارتجاع داخلی به حزب توده ایران، دستگیری غیرقانونی رهبران و هزاران تن از کادرها و اعضای حزب و به ناعاش گذاشتن مضحکه "نگین باصلاح" اقراربر "در تلویزیون"، همچنان شاهد تدارک و اعمال دهشتناکترین جنایات "ساواک" در "خدمت" جمهوری اسلامی هستیم.

چند روز پیش خیرگزاریهها و رسانه‌های گروهی امپریالیستی از اعدام پنهانی رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، خیر دادند. با توجه به سکوت دولت ایران در برابر این "خبر" چنین می‌نماید که سازمانهای جاسوسی امپریالیستی و همکاران "ساواک" بی آنها با نشر اینگونه گزارش‌های تحریک آمیز تدارک جنایات باز هم سنگین تری را می‌بینند.

در پی شهادت رفیق حسن حسین پور تبریزی بدست شکنجه گران "اوین"، گزارش‌های گوناگون سخن از آن می‌گویند که گویا هم اکنون تنی چند از دیگر فرزندان برومند حزب پرافتخار توده ایران، زیر شکنجه‌های ددمنشانه بهلاکت رسیده‌اند. در این گستره، از جمله، از رفقا احسان طبری، مریم فرمانفرمایان (فیروز)، کاگیک آوانسیان، عباس حجری، آصف زرمیده، محمد امینی و غیره، نام برده می‌شود.

بقیه در صفحه ۱۵

راه توده

شهر مولان حزب توده ایران در خارج از کشور

جمعه ۱۷ تیر ۱۳۶۲ مطابق ۲۲
رفشان ۱۴۰۳ و ۸ روزه ۱۹۸۳
سال اول شماره ۴۹
به شماره ۴۰ به سال

رفیق آوانسیان، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران زیر شکنجه شهید شد



رفیق کاگیک آوانسیان که بهنگام به اصطلاح صاحب‌های تلویزیونی با حالتی نیمه مرده لحظاتی کوتاه روی پرده کوچک تلویزیون نشان داده شد، این "صاحب‌ها" و یا چند روز پس از آن بر اثر ضربات و جراحات وارده و مسمومیت ناشی از داروهای اعتراف‌گیری "جان خود را از دست داده است".

طبق اخبار رسیده از زندان اوین و بدنبال شهادت رفیق حسن حسین پور تبریزی اکنون رفیق کاگیک آوانسیان عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، فرزند قهرمان طبقه کارگر ایران، که یک عمر برای به ثمر رساندن خواست‌های ضد امپریالیستی و ضد سلطنتی - دیکتاتوری و عدالتجویانه مردم میهن ما رزمیده بود و در زمان رژیم شاه خائن به زندان افکنده شده و شکنجه دیده بود، در اثر جراحات و صدمات ناشی از شکنجه‌های بربرمنشانه در فراموشخانه‌های جمهوری اسلامی ایران و بدست جنایتکاران ساواکی و "سیا" چهرگان گمنام و با نام به شهادت رسیده است!

بقیه در صفحه ۳

در جستجوی کدام "قهرمان" اند؟

"بالاخره اینقدر فشار را سنگین کردند که دیگر ادامه آن برنامه (اجرای بند ج) طرح قانون اصلاحات ارضی پیشنهاد شورای انقلاب) به صلاح انقلاب و به صلاح اسلام و به صلاح مردم نبود و به این جهت بولکه امام دستور توقف آن را دادند... ایشان تخیر عقیده ندادند... ایشان احساس کردند که مانع، سر راه است و اگر بخواهد ادامه داده بشود به نفع مستضعفین تمام نمی‌شود" (سخنان آیت الله جنتی پیرامون مسائل و مشکلات طرح اراضی - اطلاعات ۱۲ خرداد ۱۳۶۲)

این شیوه است، که در تمام طول چند سال پس از آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران توسط نیروهای معاشرتگرد دیروزی و تسلیم طلبان امریزی بکار برده شده است.

آنها زیر فشار شان تاژ کمونیست ستیزی ضد انقلاب و راستگرایان در عین حال که از نظر ترکیب قوا - حضور زحمتکشان - و تفوق نیروهای مردمی توان مقاومت و تحقق خواسته‌های زحمتکشان را داشتند، تن به عقب نشینی دادند، به امید آنکه گویا روزی پس از برطرف شدن "موانع" راه قطع شده را ادامه دهند! مسکوت گذاشتن اجرای قانون اصلاحات ارضی مصوب شورای انقلاب و به ویژه بند "ج" آن، که سر آغاز چشمگیری این

بقیه در صفحه ۶

محافل دمکراتیک بین المللی به پشتیبانی خود از حزب توده ایران ادامه می‌دهند

این مدافع راستین انقلاب و منافع زحمتکشان ایران و رهبران و اعضای در بند آن، که قربانی نقشه‌های شوم امپریالیسم و راستگرایان جهست سرنگونی انقلاب مردمی میهنمان گردیده‌اند، تشدید نمودند.

در همه این اکسیونها، محافل مترقی و دمکراتهای جهان، یکصد، اعمال روشهایی و حشیانه را علیه مبارزین توده‌های، محکوم کرد. بقیه در صفحه ۲

در روزهای اخیر، تلاش برای نجات جان زندانیان توده‌های، که در بند حاکمیت راستگرایی جمهوری اسلامی ایران گرفتارند، هرچه بیشتر گسترش یافته است.

محافل دمکراتیک جهان، به شیوه‌های گوناگون، از دادن امضا، تا انجام تظاهرات در مقابل سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی ایران در کشورهای مختلف و برگزاری کنفرانسها و میتینگهای همبستگی، حمایت خود را از حزب توده ایران

پایدار باد همبستگی گسترده با زندانیان توده‌ای!

محافل دمکراتیک بین المللی به پشتیبانی خود از حزب توده ایران ادامه می دهند

بقیه از صفحه ۱

عناوین مختلف، آزادی آنان را طلب می کنند و این موج آرام ندارد.

همبستگی کمونیستهای فرانسه با حزب توده ایران

در روزهای یازدهم و دوازدهم ژوئن (۲۱ و ۲۲ خرداد ماه)، جشن محلی حزب کمونیست فرانسه در لیون برگزار شد. در این جشن، سه کشور آفریقای جنوبی، نیکاراگوئه و ایران، در صف اول همبستگی قرار داشتند و از توجه خاصی برخوردار بودند.

دبیر ایالتی حزب کمونیست فرانسه (ناحیه ژن)، در نطق افتتاحیه، غرغهای بین المللی، به موقعیت حزب توده ایران اشاره کرد و حاضرین را به همبستگی با آن دعوت نمود. غرغه حزب توده ایران، با پوسترهایی بزرگ رفیق کیانوری که در آن خواست آزادی وی به زبانهای مختلف نوشته شده بود و نیز با شعارهای " جبهه متحد خلق " و " زنده با انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران " پوشیده شده بود.

شرکت کنندگان در جشن با امضای کارت پستال های اعتراضی نسبت به دستگیری و شکنجه رفقای توده ای و خواست اعزام هیأت ناظر بایران و تشکیل دادگاه های بین المللی برای آنان، که به آدرس سفارت ج ۱۰۱۰ در فرانسه ارسال گردیده است، همبستگی خود را با حزب مبارزین توده ای در بند، اعلام داشتند و ژرژ مارش د بیر اول حزب کمونیست فرانسه را یازدهم خود از محل جشن، به عنوان همبستگی، از غرغه ایران دیدن کرد.

اظهارات کلود شسون وزیر امور خارجه فرانسه در مورد خطری که جان رفیق نورالدین کیانوری را تهدید می کند

کلود شسون، وزیر امور خارجه فرانسه، در پاسخ به پرسش یکی از نمایندگان کمونیست پارلمان فرانسه، پیرامون اوضاع ایران و سرنوشت رهبران حزب توده ایران، از جمله رفیق نورالدین کیانوری، و اخیر اعدام او، اظهار داشته است، که وی از سلامت نورالدین کیانوری خبر موثقی در دست ندارد، اما چیزی که مسلم است جان وی به شدت در خطر است. وی تأکید کرد که فرانسه اقدامات لازم را در این جهت انجام خواهد داد.

کلود شسون گفت، " اعترافات " تلویزیونی کیانوری دایر بر اینکه وی و یارانش به سود شوروی جاسوسی میکردند، فاقد اعتبار است، زیرا کیانوری در این مصاحبه آشفته حال بنظر میرسید. وی گفت تا کنون در حدود شش هزار نفر از اعضای حزب توده ایران بازداشت شده اند.

در پی اظهارات کلود شسون، وزیر امور خارجه فرانسه، وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، از طریق سخنگوی این وزارتخانه به این اظهارات، بدون آنکه به هسته مرکزی سخنان شسون در مورد خیر اعدام رفیق کیانوری پرداخته باشد، پاسخ داده است.



لازمست به آقای سخنگوی وزارت امور خارجه ایران یادآوری کرد که این تظاهر به حساسیت بسیار بی جاست، چرا که هر انسانی، که ذره ای وجدان داشته باشد از دیدن برخورد سبعمانه حاکمیت جمهوری اسلامی ایران با رهبران در بند حزب توده ایران، از خود واکنش نشان داده و آنرا محکوم می کند. چه خوب بود آقای سخنگوی وزیر خارجه به جای دروغگوئی و ردیف کردن نام " توده ای " در کنار سلطنت طلبان و تروریستها ... به این سوال که در پارلمان فرانسه مطرح بوده یعنی وضعیت سلامت رفیق کیانوری پاسخ میدادند تا ما او را جزو جعل کنندگان اکاذیب نخواهیم. وزارت امور خارجه به خوبی میداند که چه جنابتی پشت دیوار فراموشخانه های جمهوری اسلامی ایران علسی گشته و یا در شرف تکوین است و این " محکوم کردن ها " قادر به پوشاندن حقیقت نیست!

رفیق کلود یابرس، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه در میتینگ که روز دوازدهم

ژوئن در پاریس، تحت شعار " آزادی و دمکراسی در جهان برگزار شد، ضمن تشریح اوضاع سیاسی ایران پس از دستگیری و شکنجه رهبران و اعضا حزب توده ایران اعلام داشت که وظیفه کمونیستها و تمام مردم آزادی خواه فرانسه است که هر چه در توان دارند برای نجات جان توده ای های در بند انجام دهند.

هندوستان

روزنامه جانا ساکتی (قدرت مردم) روزنامه حزب کمونیست هندوستان، که به زبان تامیل در مدرسه منتشر می گردد، در شماره مورخ پنجم ژوئن (۱۵ خرداد ماه) خود، مقاله ای تحت عنوان " فدکاری بی نظیر حزب توده ایران " منتشر کرده، که در آن ضمن تشریح مبارزات حزب توده ایران علیه توطئه های امپریالیسم و راستگرایان از مردم جهان دعوت کرد تا در راه آزادی همه توده ای های در بند بکوشند.

شخصیتها و سازمانهای مترقی آمریکا، همبستگی خود را با حزب توده ایران نشان می دهند

در چند روز گذشته، شخصیتها و سازمانهای مترقی در جنوب کالیفرنیا، همبستگی خود را با حزب توده ایران و رفقای در بند، به طرز گوناگون نشان دادند، که در زیر به برخی از آنان اشاره می کنیم:

● در جلسه ای که در " خانه کارگر " برگزار گردیده، درباره مسائل انقلاب ایران، بحران کنونی و حمله به حزب توده ایران، بحث و گفتگو بعمل آمد و حاضرین، با امضای اعتراضات، همبستگی خود را با حزب و رهبران و اعضای زندانی آن نشان دادند. از جمله شخصیتهای امضا کننده اعتراضنامه، رفیق کندر الکساندر، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست آمریکا و مسئول شعبه ناحیه لوس آنجلس می باشد.

● در جلسهای که با حضور الکساندر مولینا لارا نماینده " فدراسیون سراسری سندیکا های کارگران السالوادور "، برگزار گردید، شرکت کنندگان با دادن امضا، همبستگی خود را با حزب توده ایران، بیان کردند.

الکساندر مولینا لارا و آنتونیو روسو، صلح دوست معروف آمریکائی که به " جرم افشا عملیات خرابکارانه " سیا " و ارتش آمریکا در ویتنام، بزند ان افتاده بود، شخصا همبستگی خود را با مبارزین در بند توده ای و آمادگی خود را جهت بقیه در صفحه ۱۱

رفیق آوانسیان، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران زیر شکنجه شهید شد

بقیه از صفحه ۱

رقص جاوید

کیستی؟
ناشناسی زاده مردم
کیستی؟
پور آتش، یار پاکان، دشمن ناپاکان
نام تو؟
شعله
جای تو؟
قلبش
قلب که؟
قلب رزمند و خلق
خفه شو تودهای بی آرم
خفه شناید کنی جسم را، ای نامرد
صبح فردا اما، چو بر آید خورشید
در غریب رزم خلق
می شود فریاد من، فریاد ما
صد هزاران بار افزونتر رسا
میدود کومه به کومه، کو به کو
از ارس تا کارون
از خزر تا خارک
این صدا مرگ ندارد هرگز

آنچه که در این سیاهچاله میگذرد مجهول مطلق است. شاید پس از گذشت زمان، وقتی که یکی از این شکنجه‌گران دچار عذاب وجدان گردد و نزد آشنایان و نزدیکان خود در دل کند، گوشه‌ای از این وحشیگریها فاش شود ولی به ایس امید نمیتوان و نباید در انتظار نشست.

سازمانهای بین‌المللی و روزنامه نگاران که طی دوران پس از انقلاب به ایران مسافرت نزد ماند و بر اثر مصاحبه‌های مطبوعاتی و اختصاصی برخی از رفقای ما را شخصا می‌شناسند می‌توانند در این جهت کمک ارزنده‌ای بکنند. بایسد از این سازمانها و روزنامه نگاران خواهش کبرد نمایندگانی به ایران بفرستند و یا خود به ایران سفر کنند و حواهان تماس مستقیم و گفتگو با رفقای فوق‌الذکر گردند. وگرنه برای شکنجه‌گران سهل و آسان است که در یک صحنه سازی محاکمه غیرعلنی و یا حتی دروغین قضیه را با صدور حکم اعدام فوری، خاتمه یافته اعلام کنند.

نباید اجازه داد اسرار این جنایت هولناک ضد انسانی پنهان بماند. باید ماسک ریا و تزویر را از چهره کسانی که از صبح تا شب مردم را به عمل "صالح" دعوت میکنند و خود مرتکب فجیع‌ترین جنایات شده‌اند و میشوند برداشت.

شکنجه‌گران، که با قانون شکنی بی‌محابای خود، از انتشار اسامی دستگیرشدگان نیز خودداری می‌کنند، آنچنان خود را در فضای "آزاد" که فضای خفقان و سکوت قبرستانی برای خلق است، می‌یابند، که وحشتی هم ندارند، که قربانیان به "نمایش" گذاشته خود را نیز زیر شکنجه به قتل برسانند و نعش آنها را به تبعیت از رژیم شاه در دریاچه نمک قم مدفون سازند.

ما چندی پیش هم نوشتیم که شکنجه‌گران خواهند کوشید قربانیان خود را برای همیشه خاموش سازند تا اسرار جنایات خویش را به گور بسپارند. شایعاتی که اینک در تهران وجود دارد مومید این نظر است. همانطور که از گفته‌های اخیر موسوی تبریزی دادستان کل انقلاب نیز احساس می‌شود، گردانندگان ایس ننگین ترین جنایات در تاریخ معاصر ایران تنها در این فکرند که چگونه با صحنه‌سازی "محاکمه" غیر علنی اسامی قربانیان خود را چند ماه پس از انجام قتل یا ترستی علنی کنند.

نه به اعضای خانواده‌ها اجازه می‌دهند که کوچکترین تماسی با عزیزان زندانی خود داشته باشند و نه برخلاف عرف بین‌المللی، وکیل می‌تواند دفاع از یک متهم را بعهده بگیرد و حق ملاقات با او را داشته باشد. به این ترتیب

کنفرانس مطبوعاتی "کمیته همبستگی با ایران" جنایات حاکمیت راستگرا را افشانمود

انگلستان، کویت، اتحاد شوروی، ترکیه، کشورهای آفریقایی، روزنامه‌ها، العرب و بسیاری دیگر از مطبوعات و خبرگزاریها حضور داشتند.

در ابتدا موسس کمیته همبستگی، دکتر مصطفی دانش، ضمن خوش آمدگویی به حضار، به اختصار دربارهٔ اوضاع ایران، زندانها و شکنجه‌ها، اطلاعاتی در اختیار آنان قرار داد. سپس رفیق محمد باقری نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران طی سخنانی، تحلیل سبب بیسوطی از اوضاع ایران ارائه داد و اطلاعاتی در زمینه دستگیری اعضای رهبری حزب توده ایران در اختیار خبرنگاران قرار داد. سپس میثاقیل اپرسکالسی از جنایات سیا در آمریکای لاتین، ویتنام و استفاده از مواد شیمیایی و دارویی برای گرفتن "آقاری" پرده برداشت و به مقایسه آن

روز پنجشنبه، هفتم ژوئیه (شانزدهم تیرماه)، بابتکار "کمیته همبستگی با ایران" کنفرانسی در محل خانه مطبوعات در بین برگزار شد. در این کنفرانس، نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران، پرفسور دکتر هانس ماوس باخ (پزشک)، کورت ارباخ رئیس سازمان ضد فاشیستی آلمان فدرال، دکتر هانس مرتنس نماینده سازمان حقوقدانان دمکرات آلمان فدرال، میثاقیل اپرسکالسی، خبرنگار و متخصص در امر فعالیتهای جاسوسی "سیا" و دکتر مصطفی دانش مؤسس "کمیته همبستگی با ایران"، شرکت داشتند.

در این کنفرانس، پیش از ۵۰ خبرنگار از کشورهای مختلف از جمله: آلمان فدرال، (آژانس خبری آلمان DPA و سایر مطبوعات این کشور)

با شیوه‌های بکار گرفته شده در مورد رهبران حزب توده ایران پرداخت. پرفسور ماوس باخ، کورت ارباخ و دکتر هانس مرتنس بترتیب سخنرانان یجدی بودند که بیاناتی در مورد اوضاع ایران، شکنجه رهبران حزب توده ایران و بخصوص وظایف نیروهای دمکرات در آلمان فدرال و اعزام هیئت‌های ناظر بی طرف بین‌المللی برای بررسی اوضاع زندانهای ایران و زندانیان تودهای ایراد کردند.

در خاتمه فیلم تلویزیونی "آقاری" رهبران حزب توده ایران، به نمایش گذارده شد، که حضار را سخت تحت تأثیر قرار داد. جلسه پس از بحث در این زمینه، باین نتیجه رسید که "آقاری" مذکور، می‌تواند صرفاً تحت شکنجه‌های وحشیانه جسمی و روانی و مصرف داروهای تخریبی صورت گرفته باشد.

در پایان، از خبرنگاران و حضار دعوت بعمل آمد که در تظاهراتی که از طرف "کمیته همبستگی با ایران"، در مقابل سفارت جمهوری اسلامی ایران در بین برپا شده بوده، شرکت کرده و اخبار آنرا در مطبوعات منعکس کنند.

درود بر کمیته مرکزی حزب توده ایران

مفهوم انترناسیونالیسم پرولتری، میهن دوستی واقعی است

رویداد های اخیر کشور ما، ادامه دستگیری، زنجیر و شکنجه اعضای حزب توده ایران، سرکوب آزاد یگانا د مکراتیک، جهت گیری در زمینه های اقتصادی و اجتماعی بسود کلان سرمایه داران و مالکین بزرگ زیر پوشش "احکام شرعی"، کوشش در راه احیای مواضع امپریالیسم در ایران، سیاست جنگ روانی علیه کمونیسم، شوروی ستیزی افراط گریخته، همه و همه از موضع طبقاتی نشأت می گیرد.

برای نخستین بار نیست، که حزب توده ایران با اتهامات سخیف رویرو می شود. ریح قرن شاه معدوم به حزب توده ایران اتهام جاسوسی زد، میهن پرستی حزب ما را نفی و خصلت انترناسیونالیستی آنرا تحریف نمود و بالاخره حزب ما را "منحله" اعلام کرد. ولی نتیجه چه بود؟ حزب توده ایران با وجود ضربات سختی که نه یکبار بسر پیکرش وارد آمد، آنی صحنه مبارزه در راه منافع زحمتکشان را ترک نکرد. نه ترور و شکنجه و نه اعدام های جمعی نتوانست کوچکترین خدش های در اراده حزب طبقه کارگر ایران در مبارزه سرسخت و پیگیرش علیه رژیم ضد ملی دست نشاندۀ امپریالیسم در گسترش نفوذ روزافزون جهان بینی آن بین توده ها، بویژه جوانان و نیز در خصلت عمیقاً انترناسیونالیستی آن بوجود آورد.

کشتن توده های زحمتکش و جوانان مبارز ما را بسه ایدۀ های سوسیالیستی، با تصویب یک ماده واحده و توسل به ترور و یا به راه انداختن محسوسه فاشیستی "سوزاندن کتاب" نمیتوان خاموش کرد. علل روی آوردن جوانان به جهان بینی حزب توده ایران را باید در اعماق نظام اقتصادی اجتماعی بی کاوی کرد.

علیرغم سفسطه هیئت حاکمه، علت اساسی در ماندن و تباهی ایران در دوران فرمانروائی شاه، نظام منحط سرمایه داری بود، نظامی که با یورش سبعمانه به حزب توده ایران راهش هموار میشد.

لذا از هم اکنون باطمینان میتوان گفت، که یورش "ایدئولوژیک"، علیه حزب ما سراسر انجام ناموفق خواهد داشت. زیرا سرمایه داری حتی در لافاه "اسلامی" دارای چنان پشتوانه معنوی و جاذبه مادی نیست، که بتواند مورد پسند توده های زحمتکش قرار گیرد. این نظام به میزان بیسابقه ای در انتظار توده های میلیونی کشور رسوا شده و مبارزان راه آزادی و استقلال ایران در جریان انقلاب با شعارهای کوبنده خود حکم محکومیت آنرا امضا کرده اند. یگانه ایدئولوژی موثر در پیشروی تاریخ، ایدئولوژی سوسیالیستی است. زحمتکشان ایران هر چه بیشتر به صحت و حقانیت این نظر حزب ما پی می برند.

فرمانده کل سپاه پاسداران در مصاحبه ۲۰ اردیبهشت ماه خود اظهار داشت، حزب توده ایران در ضد بود، "جمهوری اسلامی را به سمت اردوگاه شرق و خط شرقی سوق دهد". اظهارات وی تاریکی ندارد. اینگونه برخورد به مواضع اصولی یک حزب سیاسی هدفی جز عوام-

فریبی نمیتواند داشته باشد. آنچه مورد ایراد این آقایان است، خصلت انترناسیونالیستی حزب ما و مواضع آن در عرصه بین المللی است. وقتی ما می گوئیم، نفی رابطه انقلاب با روند واحد انقلاب جهانی و جدا کردن ایران از جبهه ضد امپریالیستی، که در آن اتحاد شوروی و مجموعه سیستم سوسیالیستی نقش تعیین کننده دارند، انقلاب را به بیراهه سوق داده و کشور را بدامن امپریالیسم آمریکا می اندازد، متهم به وابسته ساختن ایران به اتحاد شوروی میشویم. موضع اصولی ما پیرامون ضرورت همبستگی با کشورهای سوسیالیستی و دیگر نیروهای ضد امپریالیستی در جهان، اصلی است که بارها از محک آزمایش تاریخ گذشته و اصالت و صلابت آن به ثبوت رسیده است. این موضع از خصلت انترناسیونالیستی حزب ما، کسه عالیتین، میهن پرستانه ترین و مترقیترین خصلت کمونیست هاست، الهام می گیرد. حزب ما همبستگی با کشورهای سوسیالیستی و نیز با نهضت کمونیستی و کارگری و نهضت های رهایی بخش ملی را ضامن ارزنده کسب استقلال واقعی - نه صوری - میدانند. برخلاف دعوی مصرانۀ آنهاست که پیروزی انقلاب ایران را خارج از تاثیر عوامل خارجی معرفی میکنند، ما معتقدیم تغییر توازن نیروها در عرصه جهانی به سود صلح و ترقی اجتماعی و سوسیالیسم تاثیر قاطعی در مبارزه همه خلق ها علیه استعمار، نواستعمار و امپریالیسم داشته و دارد. بدیهی است، که هر انقلابی در وهله نخست به نیروی لایزال توده ها در داخل هر کشور متکی میباشد، ولی این امر بهیچ وجه به معنای کسم بها دادن به عوامل بین المللی نمی تواند باشد. فقط مغرضین و ساده لوحان می توانند این اصل انکار ناپذیر تاریخی را درک نکنند. تاریخچه مبارزه نیم قرن پیش بسیاری از خلق های مستعمره و نیمه مستعمره در آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین شاهد گویای صحت این نظر است.

اکثر خلق های اسیر در کشورهای نامبرده بارها علیه استعمارگران و امپریالیسم برخاستند و شهید شدند. بی شماری نیز در راه دستیابی به آزادی و استقلال دادند، ولی کمتر جنبشی توانست به پیروزی نهایی برسد.

دورانی که ما در آن زندگی می کنیم، با جهان نیم قرن پیش فرق فاحشی دارد. امروز دیگر استعمار و امپریالیسم در جهان حکمروای مطلق نیست. در جهان امروز جامعه کشورهای سوسیالیستی وجود دارد، که از لحاظ سیاسی، اقتصادی و نظامی به قدرت عظیمی تبدیل شده است. این روند توازن جدید نیروها را در عرصه بین المللی موجب گردیده است. تغییر توازن نیروها نقش مهمی در تیرد خلق ها در راه رهایی از سیطره استعمار و نواستعمار داشته و دارد. برای پذیرش این اصل مسلم نیازی به قبول جهان بینی حزب توده ایران نیست. پیوندگان حقیقت میتوانند با سیری در تاریخ نه چندان دور به صحت آن

پی ببرند.

برای لحظه ای تصور کنید، که اگر امپریالیسم هم چنان بر جهان حکمروائی میکرد و کشورهای سوسیالیستی با قدرت عظیم سیاسی، اقتصادی و نظامی سدی در مقابل امیال ضد بشری استعمارگران بوجود نمی آوردند، آیا دهنها کشور رهسا شده از بند اسارت می توانستند به آزادی نائل آیند؟ آیا کوبا در بیخ گوش آمریکا می توانست ایستادگی کند؟ آیا ویتنام می توانست امپریالیسم یانکی را با شکست مقتضایانه رویرو سازد؟ آیا موزامبیک، آنگولا، اتیوپی، جمهوری دیمکراتیک یمن، افغانستان، نیکاراگوا می توانستند استقلال خود را بازیابند؟ آیا سوریه می توانست در برابر صهیونیست ها مقاومت کند؟ آیا امپریالیسم آمریکا، که فرمانروای مطلق در ایران بود، لحظه ای در سرکوب خونین انقلابیون ایران مردد بود؟ امپریالیسم آمریکا بی ذغدغه خاطر، نیروهای نظامی خود را در ایران پیاده میکرد و با قتل عمام صدها هزار انسان سیادت خود را حفظ مینمود. در بحبوحه اوج نهضت های بخش مردم میهن ما، هنگامی که سرنگونی رژیم مسئله روز بود، مطبوعات امپریالیستی تبلیغات گسترده ای را پیرامون باصطلاح بی آمد های "مخرب" رویداد های ایران در تامن نفت جهان غرب، در "امنیت خاور نزدیک" و نیز در زمینه ضرورت دفاع از "منافع جهان آزاد" به راه انداختند. هدف از این تبلیغات آمادگی سازی افکار عمومی برای دخالت نظامی در امور داخلی ایران بود.

حتما آقایانی که برای جلب عطف و "شیطان بزرگ" کمونیسم ستیزی و شوروی ستیزی را به سطح سیاست دولتی ارتقاء داده اند، فراموش نکرده اند در همان روزها که امپریالیسم آمریکا نقشه دخالت در امور داخلی ایران را به قصد حمایت از رژیم شاه تهیه میدید، اتحاد شوروی با قاضیت و صراحت هر چه تمامتر امپریالیسم یانکی را از هر گونه مداخله به هر شکل و شیوه، در امور داخلی ایران بر حذر داشت. لئونید برژنف در جواب مخبر روزنامه پراودا (۲۸ آبان ماه ۱۳۵۷) اعلام نمود که: "خل امور ایران کار خود مردم ایران است".

بدون همبستگی با نیروهای ضد امپریالیستی جهان، پیروزی بر امپریالیسم آهن سرد کوبیدن است. تاریخ، آنهاست که در نبرد فراگیر میان جبهه صلح و ترقی اجتماعی و سوسیالیسم از یک سو و امپریالیسم و نواستعمار از سوی دیگر "بی طرف" بوده و یا "راسومی" در پیش گرفته اند، با ناکامی رویرو ساخته است.

توازن نیروهای اجتماعی در هر مرحله ای از مراحل انقلاب، که در اثر عوامل عدیده داخلی و خارجی شکل میگردد، سرنوشت پیروزی و یا شکست انقلاب را رقم میزند. استراتژی و تاکتیک انقلاب باید بر پایه شناخت دستان و دشمنان خلق های بقیه در صفحه ۱۴

۶۳ سال پیش حزب کمونیست ایران تشکیل شد



حیدر عموآوغلی، رهبر برجسته حزب کمونیست ایران

نحو یا بدان نحو، تحت تأثیر عمیق شیوه تفکر، تحلیل و حتی اصطلاحات حزب کمونیست ایسران قرار گرفت.

در عرصه مبارزات اجتماعی نیز حزب کسو - نیست ایران نقش مهمی داشت - کمونیستهای ایرانی در زندانهای رضا خان ایستادگویی قهرمانانه کردند. افرادی از آنها در زندانهای مخوف رضاخانی از جمله حجازی، تنها و ارانی به شهادت رسیدند.

کمونیستهای آزاد شده از قید زندانهای رضا خان، در ایجاد حزب توده ایران سهم اساسی داشتند. لذا حزب توده ایران خود را وارث سنتن حزب کمونیست ایران میدانند کارگران و زحمتکشان یدی و فکری انقلابی ایران حق دارند بخود بیالند که یکی از اولین سازمان های انقلابی مارکسیست-لنینیست جهان در کشور آنها تشکیل شد.

تاریخ حزب کمونیست ایران از ناکامیها، دشواریها و گاه لغزشها تهی نبوده است. ولی آنچه که برای نقش تاریخی این حزب در شرایط نامساعد اجتماعی شاخص است عبارت است از تکان نیرومند سازمانی و فکری که در جامعه مادر سمت ترقی، در سمت عدالت اجتماعی ایجاد کرده ارتجاع سعی دارد با زدن برجسب های ضد میهنی و ضد دینی از اعتبار و اصالت و صداقت آن بکاهد.

الحق فراموشی بزرگی است که فدائیان راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی و جانبازان راه خلق و کسانی که همه زندگی خود و خانواده خود را با ایثاری بیدریغ در راه مردم و سعادت آنان نهاد مانده، با چنین بیعتنهای زشتی رویو گردند. کمونیستهای فدائکار و پیگیر کسور ما، از تلاش جان گذاز خود چه چیزی جز زندان، شکنجه، در بدری و اعدام بدست آورد ماند؟ آیا در تاریخ کشور ما شخصیتهایی با چنین روشنائی فکر، صفای اخلاق و درستی عمل زیاد دیده میشوند؟

اینک که تمام نیروهای مترقی هوادار گسترش

شمت و سه سال پیش، آخر خرداد - اوائل تیرماه ۱۳۹۹، در کنگره حزب سوسیال دمکرات کارگران ایران - "عدالت" که در شهر اتلی برگزار گردید، تأسیس حزب کمونیست ایران رسماً اعلام شد.

حزب کمونیست ایران در شرایط جهانی و کشوری بسیار حساس، مهم و ویژه‌ای تشکیل شد: از یک سو، عقب ماندگی فوق العاده روابسط اجتماعی - اقتصادی فئودالی و تشدید ناپسانمانی اوضاع کشور و از سوی دیگر، پیروزی انقلاب کیسر سوسیالیستی اکتیبر و تأسیس اولین دولت سوسیالیستی جهان در همسایگی بلافضل ایران این گردان سیاسی نوین، که از جهت مجهز بودن به یک جهان بینی علمی و انقلابی، از جهت همبستگی بین المللی، از جهت پیگیری انقلابی و میهن دوستی و در نبرد از پایگاه کارگران، سازمانی دارای کیفیت نوین بود، توانست در عرصه سیاست و مبارزه نقش معتبر را ایفا کند. حیدر عموآوغلی (افشار) که خود از رهبران میرز انقلاب مشروطیت و از بنیان گذاران جنبش سوسیال دمکراسی ایران بشمار میرفت در رأس این حزب قرار داشت.

حزب کمونیست ایران، که با یک جهان بینی علمی و مترقی، در شرایط جامعه قرون وسطائی، وارد عرصه مبارزه شده بود، راه دشواری را در تکامل خود طی کرد. کمونیستهای ایرانی در طرح مسائل عمده جامعه: مسئله ارضی، مسئله ملی، مسئله استقلال سیاسی و اقتصادی در قبال استعمار، مسئله دمکراسی سیاسی و اقتصادی، مسئله مبارزه برای ترقی صنعتی، کشاورزی و فرهنگی، بر همه گروه های سیاسی مقدمند. آنها برای اولین بار شیوه تفکر علمی سیاسی، شیوه تحلیل علمی مسائل اجتماعی را در ایران متداول ساختند. و از آن پس، تمام حیات سیاسی جامعه ما، خواه آنچه که مربوط به طبقه حاکمه است، خواه آنچه که متعلق به مخالفت با طبقات حاکمه است، بدین

و تعمیق انقلاب شکوهمند مردم ایران و در رأس آنان حزب توده ایران وارث به حق حزب کمونیست ایران و ادامه دهنده راه پرافتخار آن، مورد شدیدترین پیگرد ها قرار گرفته اند. رهبران آن به بند کشیده شده و تحت شدیدترین شکنجهها قرار داشته و یا جان باختند. جا دارد در این ایام نگاهی به راه طی شده در این شصت و سه سال افکنده شود راهی که پسر آن خون شهیدان کمونیست نقش بسته است. جا دارد که به خاطره تابناک تمام مبارزان وفادار این راه درود بفرستیم و راه آنان را برای کسب استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی پیگیرانه و با عزمی راسخ ادامه دهیم!

در رابطه با شصت و سومین سالگرد تشکیل حزب کمونیست ایران از سازمانهای هوادار حزب توده ایران در کشورهای مختلف پیامهای شاد باش خطاب به کمیته برون مرزی حزب توده ایران ارسال شده است. "راه توده" به علت کمبود جا قسمتی از پیام هواداران حزب توده ایران در ایتالیا را در این شماره منتشر میسازد. در این پیام از جمله میخوانیم:

"ما توده‌های ما در این لحظات سرنوشت ساز حلقه خود را به دور کمیته مرکزی حزب قهرمان توده‌های مان محکمتر کرده و با درود آتشین به رفقای دربند با تمام نیرو در تحقق آخرین پیام رفیق کیانوری، که گفته بود: اگر برای ما اتفاقی افتاد - هر اتفاقی افتاد - شما به وظیفه انقلابی خودتان عمل کنید!" "خواهیم کوشید"

بحران سیستم توزیع بحران انقلاب است

نقشه از صفحه ۱۰

پد تر از حال حاضر خواهد شد. (روزنامه اطلاعات - ۳۰ و ۳۱ خرداد مشروح گزارش ۲ ساعته وزیر بازرگانی - مجلس شورای اسلامی)."

به ایسن ترتیب، یکبار دیگر نظرسرات روشن حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران اثبات می‌شود، که نبرد طبقاتی در جامعه را با موعظه و نصیحت نمی‌توان از بین برد. محض گرانی و احتکار را فقط با اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، یعنی اجرای بازرگانی خارجی دولتی، توزیع کسلسان داخلی دولتی و کنترل توزیع جز داخلی توسط دولت، می‌توان حل کرد، همانطوره که در برنامه حزب توده ایران حزب طبقه کارگر ایران نیز تصریح شده است.

وزارتخانه و معیر سیاست بازرگانی دولت است لیکن تسلیم طلبی ماشائگران دیروزی کار را به جایی رسانده است که راستگرایان حاکم چنان قدرتی را در خود حس می‌کنند که از زبان آقای عسگر اولادی، در "نطق" ۲ ساعته اش در مجلس بمنظور دفاع از سیاست سرمایه داری بزرگ حاکم بر وزارت بازرگانی، خواستار کسب مواضع مهمتری در درون کابینه می‌شود. در همین "نطق" وی ادعا می‌کند که گویا علت نسا - پسانمانی های کنونی عدم اختیار تام و تمام ایشان در کلیه امور بازرگانی کشور است و زحمتکشان را تهدید می‌کند کسسه اگر او را، سیاست های او و همقطاران نش را تأیید نکنند، "بیج تریقی"، یعنی واردات کالا از کشورهای امپریالیستی بسته می‌شود و شرایط زندگی پراتب

در جستجوی کدام "قهرمان" اند؟

بقیه از صفحه ۱

عقب نشینی بود، و سرنوشت امروزی اصلاحات ارضی و بلا تکلیفی قانون مصوب مجلس شورای اسلامی، نمونه آموزندمای از این روند شرم آور عقب نشینی زیر فشار شانتاژ است.

بدیهی است، که توافق بر سر مسائل غیر اصولی و غیر عمد مقطوعتی جایز است، که ترکیب نیروها و تناسب قوا امکان دسترسی به خواست مشخص و مطرح شده را در شرایط تاریخی مشخص ندهد. ما چنین توافقی تاکتیکی را مردود نمی دانیم.

اما روشن است، که عقب نشینی های ماماشانگران در تمام مسائل اقتصادی - اجتماعی و مسائلی که با سلامت و تداوم انقلاب در ارتباط بود، از جمله مسئله دوستان و متحدان طبیعی انقلاب، همگی فقط زیر فشار شانتاژ ضد انقلاب، امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و راستگرایان از یک سو و از عدم شناخت روشن از روند انقلاب و نیروهای واقعا انقلابی توسط ماماشانگران از سوی دیگر انجام شد.

ماماشانگران دیروزی زیر فشار شانتاژ ضد انقلاب، امپریالیسم، راستگرایان که زیر پرچم کمونیسم ستیزی انجام شد، از اجرای اصلاحات قاطع اقتصادی - اجتماعی به نفع زحمتکشان طفره رفتند، و به اعتراف آقای موسوی، نخست وزیر " هر کاری که خواستیم به نفع مردم انجام دهیم، گفتند کار کمونیستی است."

ماماشانگران دیروزی، زیر فشار شانتاژ ضد انقلاب، امپریالیسم و راستگرایان مرز بین انقلابی و غیر انقلابی را، مرز بین دارندگان اعتقادات مذهبی و دگراندیشان اعلام کردند و از این طریق در و پنجره را برای نفوذ ساواکی های پر ریش و پشم و تسبیح به دست باز کردند.

ماماشانگران دیروزی زیر فشار شانتاژ ضد انقلاب، امپریالیسم و راستگرایان، که می گفتند که گویا اگر سازمانهای کارگری بوجود آید، تودمایها از آنها به نفع خود استفاده خواهند کرد، از سازماندهی زحمتکشان، کارگران صنعتی و دهقانان بی زمین و کم زمین خودداری کردند و از این طریق به تشکیل و تقویت ستون فقراتی که " ستون فقرات انقلابی" نامیدند ضربه زدند و مانع تکوین بموقع آن شدند.

ماماشانگران دیروزی زیر فشار شانتاژ ضد انقلاب، امپریالیسم و راستگرایان یورش به حزب توده، ایران، حزب طبقه کارگر را ممکن ساختند و به آن تن دادند و از این طریق انقلاب را به آن روندی کشاندند، که در هیچ زمانی و در هیچ کشوری (مانند سودان - اندونزی - عراق - مصر و ۰۰۰) و از جمله در میهن خود ما (آذربایجان) خفقان یا تصویب قانون بنیاد ۱۰۳۷۰، کودتای ۲۸ مرداد (جز کشاندن انقلاب به مرداب مرگ راهی دیگر باقی نمی گذاشت.

در طول تمام این دوران " دلیلی" را کسبه ماماشانگران دیروزی و تسلیم طلبان امروزی برای توجیه عقب نشینی غیر اصولی خود عنوان کردند،

همین " آماده نبودن" بود. آنها، که همیشه سنگ " مستضعفین" را پسینه میزنند و زد ماند، حتی یک بار این آماده نبودن شرایط و باصطلاح " به نفع مستضعفین تمام نمی شود" را با خود مستضعفین مطرح نکردند، یا آنها تبادل نظر نکردند و کمک آنها را برای یافتن راه حل نخواستند.

آنها زحمتکشان را فقط وقتی به کمک طلبیدند، که خود در باره مسائل تصمیم نهائی را گرفته بودند این روند جدائی فکری از زحمتکشان و تصمیم گیری پشت درهای بسته و بدون شرکت نمایندگان واقعی زحمتکشان وقتی فاجعه آمیز شد، که تداوم عقب نشینی ها و انباشت قدمهای واپس گرایانه وضع کیفی جدیدی را ایجاد کرد.

تجربه عملی نشان داد، که این عقب نشینی ها، همانطور که حزب ماماشانگران را رها کرده بود، نمی توانست به تحکیم مواضع راستگرایان و ضد انقلابیون که هر روز بیشتر خود را زیر دامن آنها پنهان می کردند، نیا نجامد. تحکیم مواضع راستگرایان خود به " آماده نبودن (بیشتر) شرایط" کمک کرد و بیشتر و آسانتر مورد سوء استفاده راستگرایان قرار گرفت، تا اینان باز هم آسانتر به گسترده تر کردن تحکیم مواضع خود بپردازند. بدینسان فقط " شرایط آماده" برای انجام اقدامات به نفع زحمتکشان نشد، از جمله اجرای بنسبت " ج" قانون اصلاحات ارضی پدید نیامد، بلکه اکنون طبقه راستگرایان و ضد انقلاب بدور گردن انقلاب هر روز تنگ تر و مهلک تر می شود و از جمله بجای اصلاحات ارضی انقلابی، حتی برآمده براندازی بزرگ زمین داری به عنوان اقدامی خلاف " شرع" خط بطلان کشید ماند.

بنابر این می توان گفت، که انباشت کمیت عقب نشینی های ماماشانگران دیروزی، وضع کیفی جدیدی را ایجاد کرده است، که در آن مواضع راستگرایان و ضد انقلاب داخلی و خارجی تحکیم شد و ماماشانگران را به تسلیم واداشیت راستگرایان، که ظاهرا در تغییر کیفی در حاکمیت در روند " نبرد که برکه" پیروزمند از آب در آمد ماند و مواضع خود را چه در زمینه اقتصادی (به ویژه در گستره سرمایه تجاری) و چه در بخش های مختلف حاکمیت تحکیم کرد ماند، اکنون می کوشند با ایجاد تغییرات گسترده تر در حاکمیت آنها بطور کامل در چنگ خود گیرند.

آنها، که خود احتکار و گرانفروشی را سازمان دادند و بر انقلاب تحمیل کردند، اکنون از " فول گرانفروشی" می نالند! آنها، که خود بی قانونی و قانون شکنی را سازمان دادند و به انقلاب تحمیل کردند، اکنون از " بی قانونی" فریادشان بلند شده است. (۱) آنها که خود را " مرید" و " امت" ولی عصر می نامیدند، همانند آقای فخرالدین حسن حجازی سه سال پیش در روز افتتاح مجلس آنچنان بهمدیخسراتی و فریاد وا " اما ما می - برداختند، که گوشمالی مدیحه سرائی آنها در

همان جلسه لازم آمد. اکنون در همان مجلس شورای اسلامی صدایشان در جستجوی " قهرمان" دیگر برخاسته است، تا گویا " فول گرانی" را به پسند کشند!

آقای عسکر اولادی، که خاموشی های شیشه خوار و پورا ستاد های آهن خوار و دهنها و دهنها عنصر دیگر راز زیر پرو بال خود پرورش داده است و اعضا دادگاه امور صنعتی را دستگیر و دادگاه را عملا منحل کرده است، دست محتکران و تروریست های اقتصادی را در غارت بیت المال باز گذاشته و اصل ۴۴ قانون اساسی را مسورد علامت سوال قرار داده است، اکنون از مجلس می طلبد تا به او قدرت اجرایی بیشتر بدهند، تا " تجارت خارجی دولتی" را عملی سازد!

آری، راستگرایان و ضد انقلاب در جلد آنها اکنون زمان را فرا رسیده می بینند، تا از تغییر تناسب قوا بسود خود و تحکیم مواضع خود در حاکمیت و برای تصاحب حاکمیت وارد صحنه شوند. آنها می خواهند با به کارگیری یک " دست آهنین" یک " قهرمان" به آخرین شرط خود از سه شرطی که در چند ماه پیش برای " کمک به جبهه جنگ" اعلام کرده بودند نیز دست یابند. سه شرط آن روز آنها سرکوب حزب توده، ایران، قطع خطبه های نماز در راه عدالت اجتماعی توسط رئیس مجلس و آیت الله مشکینی و سرکار آوردن به اصطلاح " دست آهنین" و " قهرمانی" بود، که همانطور که عسکر اولادی در مجلس اعلام کرد، قدرت کافی برای انجام برنامه ها داشته باشد.

قیمت دو شرط اول، که مورد تأیید ماماشانگران قرار گرفت ۱۳ میلیارد تومان بود، که برداختند. اکنون که راستگرایان باز هم مواضع خود را تحکیم یافته تر می بینند، چه قیمتی برای سرکار آوردن یک " دست آهنین" خواهند پرداخت؟ آیا اصلا قیمتی خواهند پرداخت؟ و یا آنچه که برداختند را نیز باز پس خواهند گرفت؟

حلقه به دور گردن انقلاب اکنون با ندا برای جستجوی یک " قهرمان" تنگ تر می شود. این شیوه امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا آنقدر شناخته شده و " جا افتاده" است، که فقط کوردلان و بازی خورده ها آنرا نمی بینند.

امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی با خرابکاری با گرانفروشی و احتکار، با قانون شکنی، با شعار های تند و شیوه های قشری، با ایجاد خفقان و پراخاندختن گشت های تارالهی جان مردم را

بقیه در صفحه ۱۶

(۱) مردم دیگر نمی توانند با برجا بودن یک دهه فاسد و غارتگر ببینند. قانون! راضی! ملی شدن تجارت خارجی، قوانین انقلابی دیگر باید اجرا شود. (کنی، نماز جمعه ۳ تیر)

استبداد نمی ماند، این رسم تاریخ است!

بزودی، ۱۱ سپتامبر، برای دهمین بار روزی فرا خواهد رسید، که پینوشه، ژنرال ارتش شیلی، به کمک سازمان سیا آمریکا، با پول انحصارهای بزرگ آمریکایی، از جمله آی تی، تی بی و بوسلیه ارتش این کشور، حکومت قانونی و منتخب مردم، دولت سالواد را آلوده را آلوده را برانداخت و حکومت بیداد را بر سرزمین فراسوی کوههای آند برقرار کرد.

ژنرال آگوستو پینوشه و همکارانش تمام امید و آرزوهای خلق شیلی را نقش بر آب ساختند. امید هایی که به دولت منتخب مردم، دولت اتحاد خلق گره خورده بود: آرزوی بهبود وضع وقت بازنندگی، رفع کمبود و گرانی، برخورداری از چهار دیوار سقفی بر روی سر، پایان دادن به چپاول معادن غنی مرز توسط بیگانگان یا نکی و تعیین آزادانه سرنوشت خویش. ۳ سال حکومت دکتور سالواد را آلوده، به اندازه کافی طولانی نبود تا مردم آمال خود را تحقق یافته ببینند. اما به اندازه کافی طولانی بود تا طعم آزادی را بچشند. چپاولگران خلق که خود سبب همه آلام خلق بودند، مارشهای گرسنگی، پراه میانداختند و کارکنان بخشهای مختلف اقتصاد کشور را به اعتصاب می کشاندند تا "بهبود وضع" را طلب کنند. کودتا کردند تا خود را فرشته نجات و متحصصی میهن جا زده و "دست آهنین" باشند، که باید با غول گرانی و وضع وخیم اقتصادی به مقابله برخیزد و آنرا بشکند و بکشد. اما آیا یا سرکوب جنبش خلق ممکن است درد خلق را التیام بخشید؟ آیا کسی که دست به سرکوب خلق می زند مستعد انجام آنست؟

درد مردم شیلی داشتن تلویزیون و گداشتن آن در بیخوله، حلبی آبادی نبود. درد مردم شیلی پر شدن شهرها از چراغهای نشون شرکت های آمریکایی نبود.

آگوستو پینوشه، و ژنرالهای همقطارش نه تنها نتوانستند مردم را با خود همراه کنند، بلکه سیاست شیلی پر بارده اقتصاد ای که بر تئوریهای اقتصاد دانان آمریکایی خادم سرمایه داری از نوع فویدمان و شاگردانش "شیکاگوویز" استوار بود، به سیر افزایش تورم، بحران اقتصادی، سقوط کشور به ورطه و رشکستگی سرعت بخشیده و باعث فلاکت وضع زحمتکش و اکثریت مردم این کشور شدند. سرکوب هرگونه صدای اعتراضی و سپردن بسیاری به "فراموشخانه ها" در متن این اوضاع وخیم

اقتصادی نتیجه منطقی دیگری جز رشد جنبش اعتراضی نمی توانست داشته باشد.

اگر چه آگوستو پینوشه کوشش کرد با برگزاری همه پرسی پیرامون قانون اساسی "فرمایشی رژیم خود را مقبول عامه و انجود سازد، اما هم او و هم حامیانش میدانستند که زیر خاکستر آتشی در حال شعله گرفتن است.

مردم نه فریب "همه پرسی" را خوردند و نه مرعوب تانکها و سرنیزه های گارد پینوشه شدند.



همیشه سد کرد. شیلی در حال آموختن اینس تجربه به تمام کسانی است که میخواهند با "حکم" از هر نوعش، جلوی پیشرفت جامعه را بگیرند.

امروز تمام دنیا شاهد تظاهرات عظیم، اعتراضات گسترده و اعتصابهای کارگری و عمومی علیه رژیم پینوشه است. هر روز که میگذرد تشنجات اجتماعی اوج تازه ای می یابد. مردم پس از هر روز تظاهرات و یا اعتصاب بزم خود را در برانداختن رژیم آمریکایی پینوشه و برقراری آزادی و حکومت مردمی جزم تر می کنند. وقایع ماه اخیر

در شیلی، دوروز "اعتراض ملی"، اعتصاب عمومی در کشور، نشان داد که مرحله جدیدی از مبارزه برای آزادی و دموکراسی آغاز شده است و مردم خواست های سیاسی خود را به وضوح مطرح می سازند و طیرم آنکه میدانند، پاسخی جز تفرقه در یافتن نخواهند داشت و سیعا در این تظاهرات و اعتصابها شرکت می ورزند و خود را برای مبارزه نهایی آماده می سازند. مبارزه انقلابی در شیلی نشان میدهد، که هیچ مرز مصنوعی میان مردم جدایی نینداخته و همه در هدف، سرنوشتی استبداد مشترکند. شرکت اقشار وسیع مردم، حتی اقشاری از بورژوازی که خود به کودتای پینوشه لبیک گفته بودند، نشان میدهد که "فرشته نجات" تا چه حد در میان خلق منزوی است. حتی محافظ حلقه در شیلی و واشنگتن، بدون آنکه کلمه ای بر زبان آورند بدین فکرند که آیا پینوشه خواهد توانست دهمین سالگرد کودتایش را جشن بگیرد یا خیر، و یا اینکه بهتر نیست بخاطر حفظ نظام قبل از اینکه اوضاع از کنترل خارج شود، تغییری صورت گیرد؟ چنانکه رفیق لونیس کورولان، دبیر کل حزب

کمونیست شیلی اخیرا گفته است: "شیلی یک نقطه عطف تاریخی در پیش دارد."

"جنبش توده ای علیه ظلم و استبداد، که کمونیستها از همان اول نقش برجستهای در آن ایفا کردند، چنان گسترش و ژرفای یافته که در ۱۰ سال گذشته بی سابقه بوده است."

بگفته کورولان:

"هنوز مبارزات سختی در پیش است، اما نکته ای که روشن است، اینست که سرنوشت رژیم فاشیستی پینوشه، معین گشته است."

استبداد نمی ماند، این رسم تاریخ است!

مرگ بر امپریالیسم جهانخواار امریکا، دشمن اصلی خلق های ایران و جهان

"بنیاد مستضعفان" در خدمت "مستکبران"

در این اواخر سران حاکمیت به شیوه نوین اغفال مردم دست زده اند. آنها، که تصور می کنند با توسل به تبلیغات دروغ می توان از حدت و شدت ناراضی توده ها کاست و دزدی و غارت بیت المال و فساد زرف حاکم بر نظام را برده پوشی کرد، "هفته های آشنائی" با وزارتخانه ها و بنیادها تشکیل می دهند.

اوایل خرداد ماه، "هفته آشنائی" با بنیاد مستضعفان بود. سرپرست بنیاد در بیگ صاحب مطبوعاتی مطالبی را مطرح ساخت، که شکافتن آنها به قصد افشای چهره واقعی این بنیاد بی ثمر نخواهد بود.

معمولاً، در "هفته آشنائی" می بایست "امت مسلمان" را با ثروت بیکرانی که در اختیار بنیاد است، آشنا می کردند. ولی از آنجا که ورود به این "حرم مقدس" فقط برای زعمای قوم مجاز است، سرپرست بنیاد این موضوع را مانند همیشه سکوت گذارد. وی گفت: "با تشکیل دفتر برنامه ریزی در بنیاد کار جمع جوری آمار از دارائیها و امکانات در حدود ۱۰۰۰

شرکت، خطوط حمل و نقل زمینی و دریایی، کارخانه، مزرعه، بیمارستان، مرغداری، گاوداری، سینما، املاک و مستغلات و غیره آغاز شده است. ۱۰۰۰ (اطلاعات، ۵ خرداد ماه ۶۲) آیا ثروت گرد آمده در بنیاد مستضعفان به ۱۰۰۰ شرکت نامبرده پایان می یابد؟

هنوز گردانندگان این موسسه خود از میزان ثروت تحت تصرف خویش بی خبرند. هفت مساه پیش یعنی ۲۰ مهر ماه ۱۳۶۱ آقای کریمی نوری که در آن ایام مقام سرپرستی را یدک می کشید، در مصاحبه ای پیرامون شرکتها و موسسات و اموال منقول و غیر منقول تحت اختیار بنیاد اظهار داشت، "تاکنون از ۳۰۰ موسسه صنعتی و شرکت گزارش دریافت شده و ۴۰ شرکت نیز تحت حسابرسی است." به گفته وی هفت ماه پیش تعداد شرکت های "کشف شده" بنیاد به ۲۴۰ می رسد. هفت ماه بعد سرپرست جدید "کشف" یک هزار شرکت را اعلان کرد. فردا چه خواهند گفت؟

سرپرست سابق در مصاحبه از جواهرات و عتیقه جات متعلق به بنیاد هم سخن گفت، گرچه هیچ گونه بیکراهی در این زمینه ارائه نداد. ولی سرپرست جدید، در مصاحبه "هفته آشنائی" کلمه ای درباره جواهرات و عتیقه جات بر زبان جاری نساخت. چرا؟

یک ماه پس از پیروزی انقلاب (۲۲ اسفند ماه ۱۳۵۷)، شورای انقلاب بر اساس فرمانی بنیاد مستضعفان را بنیان گذارد. آقایان بهشتی، خامنه ای، موسوی اردبیلی، هاشمی رفسنجانی، اصغر سعودی، احمد جلالی و عزتاله سبحانی به عنوان هیئت موسسین تعیین شدند.

در اطلاعاتی که به مناسبت تشکیل بنیاد

انتشار یافت گفته میشد، دینی فرمان درباره صادره اموال منقول و غیر منقول خاندان پهلوی و سران اصلی رژیم شاه اقدام به ایجاد ایسین موسسه می شود. وظیفه بنیاد عبارت بود از ضبط اموال اعم از غیر منقول و سپرده های بانکی، پول نقد، جواهرات، قالی، عتیقه جات و غیره. در اطلاعاتی تاکید می شد، که بنیاد این ثروت عظیم را صرف امور رفاهی توده های محروم جامعه خواهد کرد.

بلافاصله پس از انقلاب، صادره اموال خاندان پهلوی و سرمایه داران و زمینداران بزرگ و افسران ارشد و وزراء و نمایندگان مجلس آغاز شد. در فاصله زمانی اندک، صدها میلیارد ریال به اشکال گوناگون در اختیار گروهی قرار گرفت، که بطور عمده از جانب حزب جمهوری اسلامی بر رأس بنیاد مستضعفان گمارده شده بودند.

مقامات دولتی تاکنون ارزش واقعی ثروت عظیم صادره شده توسط بنیاد را اعلام نکرده اند. از اطلاعاتی که در ماه های نخست بعد از پیروزی انقلاب جسته و گریخته در مطبوعات انتشار یافت، چنین بر می آید، که بنیاد در حال حاضر بیش از ۳۰۷ کارخانه و از آن جمله ۱۰۰۰ کارخانه بزرگ، حدود ۱۰۰ هزار خانه و آپارتمان و هتل و سینما و مؤسسات مطبوعات و نیز گنجی از جواهرات و عتیقه جات و قالی ها و تابلوهای نفیس و غیره در اختیار دارد.

همه املاک و کارخانه ها و قصرهای شاه و فامیلش به بنیاد مستضعفان منتقل شده است. در اوایل بهمن ماه ۱۳۵۷، جراید نوشتند، اعضای خاندان پهلوی، دارای مالکیت کامل یا عمده ۱۰۵ موسسه صنعتی در ایران بودند، که فرآورده های از سرکه و نان گرفته تا تراکتور و موتور سیکلت به بازار عرضه می داشتند. طبق بر آوری، دارای این خاندان به ۲۵ میلیارد دلار بالغ می شد. به این ثروت عظیم باید قصرهای سلطنتی، جواهرات، تابلوها، فرشها، عتیقه جات گردآوری شده در آنها را نیز افزود. افزون بر این بنیاد مستضعفان اموال بیش از ۲۰۰ سرمایه دار و مالک بزرگ را نیز صادره کرده بنا بر این به جرئت می توان گفت، که بنیاد مستضعفان در اندک مدتی توانست به "دولتی مستقل" در داخل دولت تبدیل شود.

اینک چهار سال از تشکیل این "دولت مستقل" می گذرد. پس از چهار سال تازه سرپرست بنیاد اعلام می دارد، سرگرم تهیه آمار از امکانات و دارائی های تحت پوشش بنیاد هستیم. معلوم می شود، تاکنون حساب و کتابی در ایسین موسسه عظیم وجود نداشته است.

چندی پیش مجلس شورای اسلامی ضمن بررسی بودجه سال ۶۲، در تصویب از بنیاد خواست تا ظرف سه ماه عملکرد چهار ساله خود را همراه با فهرست هزینه ها و درآمدها به مجلس بدهد. سرپرست بنیاد به "امت مسلمان" مزه می دهد.

تا پایان خرداد ماه (پایان مهلت سه ماهه) بر اولین بار، مسئولان مالی موفق خواهند شد، صورتی از اموال بنیاد مستضعفان را تهیه کنند. چنین مسامحه ای در امر حسابرسی، در تاریخ حسابرسی جهان بی سابقه است.

چرا مجلس شورای اسلامی پس از چهار سال به فکر تهیه صورت اموال افتاد؟

دزدی و چپاول در بنیاد مستضعفان، موضوع سرریخته ای نیست و همگان کم و بیش از آن باخبرند.

آقای کریمی نوری سرپرست سابق بنیاد هم در مصاحبه فوق الذکر اعتراف کرد، که "ریخت و پاشی" در زمینه اموال مختلف تحت پوشش این بنیاد و از جمله "جواهرات و عتیقه جات متعلق به آن" بوده و گویا به همین علت بنیاد تصمیم گرفته بود، "عتیقه های بدین محتوی انقلابی" را در خارج از کشور بفروش رساند. وی این سخنان را ۲۰ مهر ماه ۱۳۶۱ ایراد نمود. سرپرست سابق بنیاد دزدیهای کلانی را که بالغ بر دهها میلیارد ریال است، ریخت و پاش می نامد.

جالب آنکه، این "ریخت و پاش" تقریباً وسال و نیم بعد از افشاء دزدیهای کلان در بنیاد فاش می شود، که نشانگر ادامه غارت در این موسسه می باشد. همه بخاطر دارند، وقتی چپاول آشکار بیت المال در بنیاد مستضعفان عالم گیر و خیر حراج قالی ها و تابلوهای نفیس، عتیقه جات و جواهرات متعلق به بنیاد در بازارهای جهان در روزنامه های خارجی درج شد، سران حاکمیت به دست و پا افتادند. ۲۸ اردیبهشت ماه ۱۳۵۹ فرمانی دایره به تشکیل کمیسیونی جهت رسیدگی به عملکرد بنیاد مستضعفان صادر شد.

کمیسیون ۹ نفری مرکب از آقایان، شیخ عباسعلی عمید زنجانی، حاج سید علی اکبر محتشمی، صادق طباطبائی و دیگران تشکیل شد. این کمیسیون وظیفه مشکلی را بعهده گرفت. زیرا می بایست "اسرار مگو" را فاش سازد. لذا از نخستین روز آغاز کار کمیسیون، روشن بود که از این اما مزاده هم نباید انتظار معجزه داشت.

کمیسیون، در اولین اطلاعیه وعده داد، پس از بررسی همه جانبه و دقیق، مراتب را با "امت همیشه در صحنه" در میان گذارد. وقتی اطلاعیه دوم کمیسیون انتشار یافت، همه فهمیدند آقایان اعضا کمیسیون شوخی می کنند. زیرا در اطلاعیه از مردم و کلیه مسئولین بنیاد در سراسر کشور خواسته می شد، اگر از اموال منقول و یا غیر منقول و اشیاء گرانقیمت وابستگان رژیم اطلاع دارند با هیئت در میان گذارند.

واضح است، که توده های مردم از جواهرات و اشیاء گرانقیمت به تاراج رفته طی دو سال بعد از انقلاب نمی توانستند با خبر باشند. و اما مسئولین

“بنیاد مستضعفان” در خدمت “مستکبران”

بقیه از صفحه ۸

بنیاد خمد شریک دزد و رفیق قافله بودند. بهسر حال یکماهه و نیم پس از آغاز کار کمیسیون، سخنگوی آن رسماً اعلام کرد: ۸۰۰ پرونده اختلاس و تخلف، یعنی دزدی و غارت در بنیاد تنظیم شده است. کمیسیون نه پیرامون متخلفین چیزی گفت و نه موارد دزدیها و اموال به غارت رفته را برشمرد. تا امروز، که دو سال و اندی از اعلام وجود ۸۰۰ پرونده دزدی بیتالمال می‌گذرد، احدی نمی‌داند چیا ولگران چه کسانی بودند و در کجا محاکمه شدند.

آیا اختفای یکی از دزدیهای بی سابقه در جهان تصادفی است؟ البته نه! سران نظام حاکم نمی‌توانستند نه نام دزدان بیتالمال را فاش کنند و نه آنان را به دست عدالت بسپارند. زیرا عده کثیری از مهره‌های درجه اول همدست دزدان بودند.

در همان ایام مطبوعات ملی و مترقی، برخی از دست اندرکاران غارت‌بی سابقه در بنیاد، مستضعفان را معرفی کردند. عاملین ابیاسی و عده عبارت بودند از جمعی بازاریان ثروتمند اعضای حزب جمهوری اسلامی، سران حزب حاکم افراد خود را در حساسترین شعبه‌ها، مثلاً پور راس و واحد اجرائی گماردند. وظیفه این واحد جمع‌آوری و فروش اموال مصادره شده بود. آقای هاشمی رفسنجانی درباره این آقایان، در یکی از خطبه‌های نماز جمعه گفت که از “زنان نهضت امام بازرها در کنار ما اعلامیه بخش می‌کردند... پول خرج می‌کردند... برمی‌داشت تاجر می‌رفت قم پولش را می‌داد به امام”، مساجد و جلسات، از بازار تغذیه می‌کرد. به بیان دیگر بازاریان صاحبان ثروت بی‌کسبران بودند که در ارا این خدمات می‌بایست برراس امور “سودآور” قرار گیرند. آقای هاشمی رفسنجانی می‌گوید: “چرا ما مثل کمونیستها برخورد کنیم؟ بگوئیم که بازاری یک لغت آنطوری است. امروز هم بسیاری از اینها در کارهای انقلابی هستند و مجانی خدمت می‌کنند... (اطلاعات، ضمیمه، اقتصاد، ۸ خرداد ۶۲).

واقعا نیز مجانی خدمت می‌کنند؟ ما پاسخ این سؤال را در زیر به تفصیل خواهیم داد. در اینجا می‌خواهیم به آقای هاشمی رفسنجانی یاد آور شویم، که کمونیستها منعکس‌کننده افکار عمومی هستند. آنها همانند میلیونها ایرانی می‌اندیشند. آری آقای هاشمی رفسنجانی تنها کمونیستها نیستند که می‌گویند بازاری “یک لغت آنطوری است” به اعتراف صریح خودتان “هنوز هم در این مملکت بعد از انقلاب کلمه بازاری یک چیز معیوبی به نظر می‌رسد”. آن چیز معیوب “بازاریان میلیونری و یا تروریستهای اقتصادی هستند.

آقای حاج محمود کریمی نوری، هفت ماه پیش سرپرست بنیاد بود، در بدو تاسیس هر

عملا به بنیاد غارتگران در خدمت مستکبران تبدیل گردیده است. آقای طباطبائی سرپرست بنیاد در مصاحبه منتشره در “اطلاعات” مورخ ۵ خردادماه، سال ۱۳۶۲ را سال “خانه تکانی” اعلام کرد. منظور وی از “خانه تکانی” جدید، واگذاری مجدد کارخانه‌ها به صاحبان اصلی آنها، یعنی سرمایه‌داران بزرگ وابسته به امپریالیسم و نیز فروش دیگر موسسات تحت مالکیت بنیاد به بخش خصوصی است.

آقای طباطبائی اعلام کرد، همه واحد‌های صنعتی که حکم رفع توقیف آنها صادر می‌شود، بدون استثنا به صاحبان اصلی تحویل داده خواهد شد. وی گفت، بنیاد در صدد است کارگاههای کوچک، مستغلات، واحد‌های خدماتی نظیر پمپ‌زین‌ها و نظایر آنها را در اختیار بخش خصوصی قرار دهد و املاک و مستغلات خود در تهران نیز بفروش رساند.

“مستضعف، مستضعف تر شده است”

سرپرست بنیاد مستضعفان در پاسخ به سوال یکی از خبرنگاران، که گفت کارگران کارخانجات رفع توقیف شده از این موضوع اظهار ناراضی می‌کنند، اظهار داشت: “هدف اصلی ما پیاده شدن احکام اسلام است نه جلب رضایت. زیرا رفع توقیف بر اساس حکم دادگاه شرع و قاضی شرع صورت می‌گیرد و آنها هم حکمتان را بر اساس موازین و قوانین اسلامی صادر می‌کنند.”

بنیادی، که برای خدمت به محرومین ایجاد شده بود، پس از آنکه شرایط “مستکبر” شدن عده کثیری را فراهم آورد، اینک درست در خدمت بازاریان و سرمایه‌داران وابسته قرار گرفته است. آیا این سیاست دلیل بارز آن نیست، که “مستضعف مستضعفتر” و “مستکبر مستکبرتر” می‌شود؟ و چرا این واقعیت را انکار میکنند. امامی کاشانی رئیس دیوان عدالت اداری در خطبه نماز جمعه ۶ خرداد سال جاری حتی وجود “مستضعف و مستکبر” را زیر سؤال قرار داد. وی گفت: “کدام مستضعف، کیانند مستضعفین... این چیست که مستضعف، مستضعفتر شده، منظور کیانند کدام قشر جامعه است. مستکبر مستکبر تر شده این مستکبر کیست؟ آمارشان کجاست و در آن جنایتکارانی هستند که رفتند... ناطق سپهر افزود، “بازاری که قبل از انقلاب اینقدر در خدمت انقلاب بود الان هم در خدمت انقلاب است. بازاری که همه چیزش را در راه انقلاب داده و در راه مکتب داده و می‌دهد.”

انگار آقای امامی کاشانی بی‌خبرند، که بنیاد مستضعفان کارخانه‌های ملی شده را به همان جنایتکارانی که رفته بودند و حالا باز می‌گردند، باز پس می‌دهد. و اما عملکرد بازاری در بنیاد مستضعفان نمونه بارزی است. برایتکه چگونه همه چیزشان را در راه مکتب داده و می‌دهند.

شعبه فروش قرار داشت. بقیه آقایان بازاریان نیز هر یک مسئولیت واحد و یا شعبه پسر درآمدی را بعهده گرفتند و بدینسان غارت بی سابقه بیتالمال توسط بازاریان و سرمایه‌داران به حکومت خزیده آنها شروع شد. جالب است، که اداره امور اموال مصادره شده هتیر یزدانی میلیاردر مشهور به آقای حاج طرخانی یکی از سرمایه‌داران بزرگ سپرده شد. نام وی در فهرست پنجاه و یک نفر سرمایه‌دار وابسته به امپریالیسم قرار داشت، که اموالشان طبق تصویبنامه شورای انقلاب ملی اعلام شده بود.

همین بازرگانان و سرمایه‌داران و همدستان آنان در مقامات عالی بودند، که طی چهار سال ثروت عظیمی را حسیف و میل کردند. نخست عتیقه‌جات و قالی‌های نفیس و تابلوهای نادر به غارت رفت. سپس نوبت به طلا و جواهرات رسید. بازاریان عضو حزب جمهوری اسلامی طلا و جواهرات را به نهن بخش، باقیمت‌های چندین بار کمتر از ارزش واقعی، بدون در نظر گرفتن ارزش کار انجام شده روی آنها بین خود رد و بدل نمودند.

هم فروشندگان، هم ارزیابان و هم خریداران را باند بازاریان گردن کلفت و یاران آنان در حزب حاکم و دولت اسلامی تشکیل می‌دادند. مثلا قالی‌های نفیس و گرانها به قیمت ارزان به دست آقای حسن درخشان تاجر فرش و ارزیاب گسمرک میرسید. برادر وی آقای علی درخشان معاون وقت دبیر کل حزب حاکم بود. غارت بیتالمال از طرق قانونی و غیرقانونی روز بروز تشدید میشود. چندی پیش مجلس شورای اسلامی بموجب “لایحه قانونی کاخ نیاوران و نگهداری اموال آن”، به دولت مهندس موسوی اجازه داد اشیا و آثار موجود در کاخهای سلطنتی سابق را، که بهای آنها کمتر از ۱۰ میلیون ریال نیست، بفروش رساند. این قانون در واقع کلاه شرعی برای ادامه چپاول و تاراج است. چه کسانی باید قیمت‌ها را تعیین کنند؟ آقایان بازاریهای عضو حزب جمهوری اسلامی که خریداران نیز آنند.

آقای کریمی نوری سرپرست سابق بنیاد مستضعفان یا استاد به این قانون در صدد بود، “عتیقه‌جات بدون محتوای انقلابی” را در خارج از کشور به فروش رساند. “مقدم محتوای انقلابی” طریق دیگر شرعی دزدی بیتالمال است.

برای هضم بهتر ثروتمندان به حکومت خزیده است که همه تابلوها و قالی‌های نفیس، عتیقه‌جات و جواهرات دارای ارزش تاریخی، که شاه و خاندانش به حساب غارت میلیونها ایرانی خریداری کرده‌اند، فاقد محتوای انقلابی شده‌اند.

چنین است ماجرای بنیاد مستضعفان، که

زنده باد حزب توده ایران مدافع راستین استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی

بحران سیستم توزیع، بحران انقلاب است

در شرایطی که انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ما، دوران دشواری را میگذراند، هنوز بسیاری از مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه ما همچنان لاینحل باقی مانده است. یکی از این مشکلات که جل آن در عین حال از مبهم ترین ضروریات انقلابی ما باشد، همانا دگرگونی ریشه ای نظام توزیع است.

رابطه تنگاتنگ، مداوم و بلاواسطه سیستم توزیع با توده مردم و اینکه، هرگونه اختلال در آن به سرعت با زتاب وسیع اجتماعی پیدا می کند، مبهم بودن حل این مسئله را بیش از پیش آشکار می سازد. نگاهی به سیستم توزیع در ایران، خصوصاً در قسمت مایحتاج ضروری و روزمره مردم و بررسی کوتاهی در روند تغییرات آن طی دوران بعد از انقلاب تا به امروز، نابسامانی و آشفتگی در این بخش از اقتصاد را نشان می دهد. هم اکنون همه جا صحبت از گرانی، کمپایی، بازار سیاه و اجتناک در میان است. لجام گسیختگی در امر توزیع سبب شده که بخش توزیع به یکی از سودآورترین بخشهای اقتصاد سرمایه داری ایران ارتقا یابد و بتواند بخش اعظم سرمایه های سرگردان را همایطور که قانسون سرمایه داری است، یعنی سرمایه گذاری در سودآورترین رشته، به خود جلب نماید. و به این ترتیب جریان زندگی یکبار دیگر نشان داد که نمیتوان سرمایه های سرگردان یعنی پول سرمایه داران را که در نبال سود بهیر قیمت هستند، بسا موعظه و نصیحت به عرصه کارهای تولیدی و صنعتی و کشاورزی، که از سود پائین تری برخوردار هستند، کشانید.

یکی از علل عمده عدم موفقیت در ایجاد یک نظام سالم توزیع را بیستنی در سوء استفاده ها مخالفتها و کارشکنی های مستقیم و غیر مستقیم سرمایه داران و تجار بزرگ و نمایندگان آنان در درون و بیرون دولت دانست. آنها که به آزا بودن داد و ستد معتقدند، مانع ایجاد یک شناخت صحیح برای خلاصی از بین بست فعلی توزیع در بین مسئولینی، که در مقابل خلق برای تغییر سیستم توزیع تصدب ننهدند، شدند.

راستگرایان و نمایندگان سرمایه داری و تجار بزرگ توانستند با استفاده از شیوه های شناخت و اهرمهای مالی - اقتصادی و اجتماعی گوناگون، تلاش نیروهای طرفدار اصلاحات به نفع مستضعفین را در دستگامهای دولتی خنثی کرده، منفعلس نگاهدارند و بالاخره قاطعیت لازم را از آنان سلب نمایند.

گزارش کیهان مورخ ۱۳۶۱/۵/۱ حاکیست که مسئله توزیع میوه را در شهر چند میلیونی تهران، ۴۰۰ نفر سلف خر بعبده دارند که بسا خرید میوهها سالانه ۴۰۰ میلیون تومان سود را به جیب خویش سرازیر می کنند، کیهان سپس هشدار می دهد، که دولت باید در ترسیم خط اقتصادی جمهوری اسلامی سرعت و قاطعیت بسه

خرج دهد و با خلع ید از مستکبرین و سرمایه داران که با پولهای سرگردانشان عامل تورم می شوند، به نفع مستضعفین وارد عمل شود و بایسد پولهای بخش خصوصی را از تجارت و دلالی و واسطه گری به طرف تولید داخلی غیر وابسته سوق دهد، به نحوی که باعث استضعاف یک طبقه و استکبار طبقه دیگر نشود.

این هشدار است که قریب یکسال پیش به دولت جمهوری اسلامی داده شده است و از دولت خواسته شد که "سرعت و قاطعیت" بخرج دهد، یعنی با برنامه ریزی و همچنین محدود کردن بخش خصوصی جلوی استثمار لجام گسیخته آنرا بگیرد. این هشدارها بطور مشخص تری در همان ایام بکرات عنوان می شد، از جمله آقای حجت الاسلام برهانی، معاون سابق دادسراهای انقلاب اسلامی ویژه امور صنفی، در مصاحبه ای با خبرنگار اطلاعات (در شهریور سال ۶۱) جریانهای خطرناک ناراضی تراش و عاملین قاچاق سیگار و گرانفروشی و اختکار کالا های ضروری را افشا و در مورد دستهای پنهان و وسیع انحراف در سیستم توزیع کالا گفت: "باید نسبت به مسائل بطور ریشمائی نگاه کنیم، ریشه این مسئله بر میگردد به آنجائی که لا وجود دارد، اما بطور قانونی وجود ندارد. مسئول مستقیم این مسئله کالنم ای توزیع وزارت بازرگانی است. (منظور اتحادیه های "تعاونی" سرمایه داران است - راه توده - که کالنهای توزیع کالا با این انقلاب عظیم و خون شهدا تطبیق ندارد. . . . بعضی از این فرصت طلبی های سودجو تا ز گوشه های می نشوند که در فلان جا قرار است یک کالن توزیع تشکیل شود، قبل از تشکیل خبردار میشوند و عضو هیئت مدیره آنها می شوند. . . ."

لیکن این انتقادات و آن رهنمودها نه تنها به گوش دولت جمهوری اسلامی نرفت، بلکه از زبان وزیر بازرگانی این دولت اعلام شد که:

"یکی از مهمترین اهداف این وزارتخانه شکل دادن به تعاونیها است." (سخنان عسگر اولادی، کیهان ۱۳۶۱/۶/۳۰) - این "تعاونیها" اتحادیه های سرمایه دارانی است که بوسیله معدودی کلان سرمایه دار بجنون سهامداران همه آن کنترل می شوند و بدینظریق با سوء استفاده از نام تعاونی، کلاه "شرعی" و قانونی بر سر زحمتکشان و مصرف کنندگان می گذارند. آقای وزیر بازرگانی پیشنهاد می کرد که امر توزیع بایستی توسط "تعاونیهای کلان سرمایه داران" و توسط "اتاق بازرگانی و کمیته امور صنفی" کنترل شود. (کیهان ۱۳۶۱/۶/۳۰)

آیا واقعا چنین کنترل کنندگانی می توانستند مسئله نابسامانی توزیع و گرانی سرسام آور را به نفع زحمتکشان حل کنند؟ اتاق بازرگانی که از زمان رژیم سابق وجود داشته و هنوز هم مرکب از نمایندگان سرمایه داران و تجار عمده می باشد،

یک چنین نهادی چگونه می تواند بر ضد منافع خود و به نفع زحمتکشان عمل نماید؟ "کمیته امور صنفی" هم راه دورتری از اتاق بازرگانی نبرفت کافی است به سخنان آقای خاموشی - با وجود رسوائی و مجرم شناخته شدن بوسیله کمیسیون بازرگانی مجلس و دیوان عدالت اداری تو انبثت رای اعتماد از نمایندگان مجلس شورای اسلامی بگیرد - سرپرست وقت کمیته امور صنفی توجه کرد. وی با صراحت می گوید:

"در مورد توزیع کالا یا ستاد بسیج اقتصادی اختلافاتی داریم. ستاد بسیج اقتصادی بر این عقیده است که توزیع کالا همانند خرید آن بایستی دولتی شود، ولی ما به توزیع توسط بخش خصوصی عقیده مندیم." (اطلاعات ۱۳۶۰/۹/۱۱)

و بالاخره، آقای وزیر بازرگانی در سخنرانی خود در جمع اقشار مردم و اصناف و بازاریان بند رهباس اعلام میدارد:

"توزیع کالا با اعمال قانون به بازار واگذار میشود. ما سعی نخواهیم کرد تا جزئیات را در تجارت دخالت دهیم، ولی توزیع را در انحصار دولت قرار دهیم بلکه با تجربیاتی () که به دست آوردیم، تجارت و توزیع را به حالت عادی در می آوریم () . . . آقای عسگر اولادی در مورد توزیع کالا می گوید:

"یقیناً توزیع جز در موارد ضروری دولتی نیست و کسبه و اصناف باید با بازسازی در بازار لیاقت توزیع عادلانه کالا را که قبلاً داشته اند (جل الخالق !) به منصفه ظهور برسانند و در این مورد نظام سنتی توزیع با اعمال قانونی که به تصویب مجلس شورای اسلامی خواهد رسید، انجام خواهد شد. . . ."

وی سپس ضمن اشاره به موفقیت این طرح می گوید:

"با آزمایشاتی که در این زمینه انجام شده بود، تا نود و پنج درصد موفقیت داشته ایم. . . . (کیهان، ۱۳۶۲/۱/۲۴) (همه تأکیدات از ماست) ."

عباراتی مانند "تجربیات موفق گذشته" و "حالت عادی" و "نظام سنتی" نشان دهنده همین روح حاکم بر وزارت بازرگانی است که مسئول مستقیم نارسائی در سیستم توزیع کالا می باشد. و بقول آقای فواد کرمی نماینده مجلس، "اگر می خواهید این تورم از بین بیرون آید، اول وزیر بازرگانی و سیاست بازرگانی کشور را تغییر دهید، وزارت بازرگانی محکم و گرانفروش را می شناسد ولی به او کالا می دهد. خود وزارت بازرگانی عامل واسطه ها و گرانفروشی است. . . (مذاکرات مجلس شورای اسلامی) به این ترتیب آقای فواد کرمی، نه فقط بحران سیستم توزیع بلکه بر علل سیاسی اجتماعی آن که تسلط سرمایه داری بزرگ غارتگر در اقتصاد کشور و همچنین در وزارت بازرگانی است انگشت می گذارد، و بحق خواستار برکناری مسئولین این بقیه در صفحه ۵

محافل دمکراتیک بین المللی به پشتیبانی خود از حزب توده ایران ادامه می دهند

بقیه از صفحه ۲

اقدامات لازم برای نجات جان آنان، اعلام نمودند.

● در جلسه‌ای که با حضور صلح دوستان آمریکائی، پیرامون مسأله صلح تشکیل شده، شرکت کنندگان، ضمن امضا، اعتراضات علیه دستگیری و شکنجه رفقای توده‌ای، همبستگی خود را با آنان نشان دادند.

● در جلسه‌ای که در یکی از کلیساهای این منطقه برگزار گردید، حاضرین، با دادن امضا، نسبت به اعمال روشهای غیر انسانی در مورد زندانیان توده‌ای، اعتراض نمودند.

برگزاری میتینگ همبستگی با حزب توده ایران در استکهلم

روز شنبه، یازدهم ژوئن (بیست و یکم خرداد ماه)، بابتکار " کمیته " دفاع از زندانیان توده‌ای در سوئد، میتینگ در میدان مرکزی استکهلم، پایتخت این کشور، جهت همبستگی با حزب توده ایران، برگزار گردید.

در این میتینگ، علاوه بر هواداران حزب توده ایران، نیروهای مترقی سوئدی و خارجی شرکت داشتند و محل برگزاری، میتینگ، با شعار های " همبستگی با حزب توده ایران " و شعارهای دیگر مبنی بر دفاع از زندانیان توده‌ای، تزیین شده بود. شرکت کنندگان نیز پلاکارتهایی با خود حمل میکردند که شعارهای عده آن: " دفاع از حزب توده ایران " دفاع از انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران است، " اسامی دستگیر شدگان و جرم آنان باید اعلام گردد! "، " اسرار این جنایات هولناک باید افشا گردد "، " به دستگیری و شکنجه تودهایپا پایان داده شود! " بود و برخی از آنان نیز پوسترهای بزرگ رفیق کیانوری را در دست داشتند. در ابتدا، اعلامیهای از طرف برگزار کنندگان مراسم قرائت گردید که در آن اوضاع ایران، نقش حزب توده ایران در انقلااب و حمله راستگرایان به حزب بررسی شده و سپس مسئله " اقا ریر " تلویزیونی و نظریه متخصصین و پزشکان در مورد نحوه کسب آن و اعمال شکنجه های جسمی و روانی در مورد مبارزین توده‌ای، به سمع شرکت کنندگان رسید.

سپس قطعنامه ای که از طرف سازمانها و احزاب دمکراتیک پشتیبانی شده و رونوشت آن به سفارت ج ۱۰۱۰ در سوئد ارسال گردیده است، قرائت گردید. در این قطعنامه، ضمن بررسی وقایع اخیر ایران، بویژه حمله راستگرایان به حزب توده ایران و ابراز نگرانی از سرنوشت انقلاب، کارزار پیگرد علیه حزب و اعضای آن قویا محکوم گردیده و خواستههای زیر مطرح شده است:

- ۱- اعزام هیأتی مرکب از پزشکان و حقوقدانان با ایران جهت دیدار از زندانیان،
- ۲- تشکیل دادگاههای علنی، تحت نظارت بین المللی،
- ۳- منع تعقیب و پیگرد اعضا و هواداران حزب توده ایران و سایر نیروهای دمکراتیک،
- ۴- آزادی فوری کلیه زندانیان توده‌ای.

میتینگ، سپس، با شعار " همبستگی با حزب توده ایران " و " درود بر کمیته مرکزی حزب توده ایران " به پایان رسید.

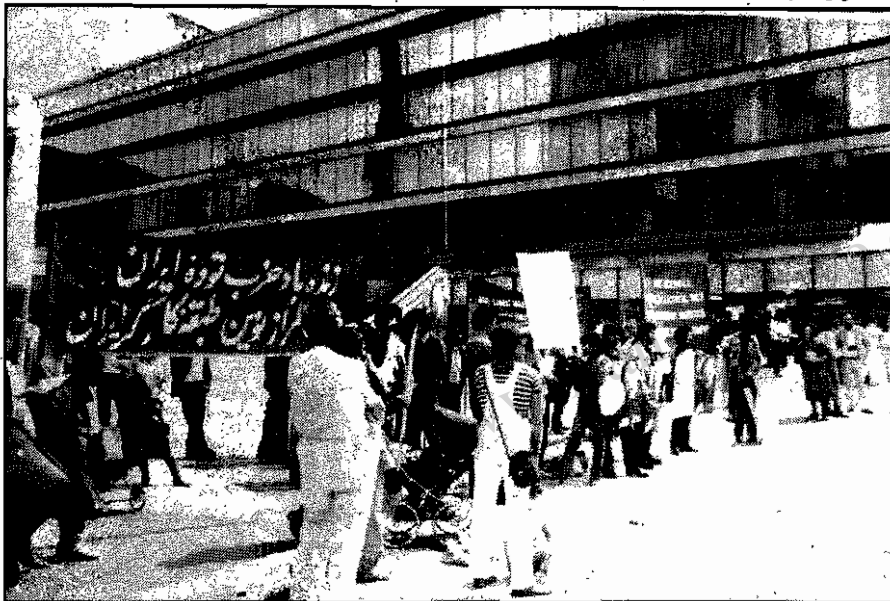
احزاب و سازمانهای امضا کننده قطعنامه بدینقرارند:

شعارهای " دستهای جلاد از حزب توده ایران کوتاه باد " و " آزادی برای کمونیستهای ایران " قطع شکنجه‌ها و آزادی رفقای زندانی را خواستار گردیدند.

● روزنامه ریزوس پاستیس، ارگان حزب کمونیست یونان، در شماره دوم ژوئیه (یازدهم تیرماه) خود، اقدام به درج کامل بیانیه کمیته بیرون مرزی حزب توده ایران خطاب به مردم ایران نمود، که در آن شیوه‌های خفقان علیه دگراوندیشان محکوم شده است.

افکار عمومی مترقی اتریش اقدامات جهت نجات جان زندانیان توده‌ای را گسترش میدهند

در جشن روزنامه حزب کمونیست اتریش که با شرکت چندین هزار نفر در تاریخ سوم و چهارم



میتینگ همبستگی با حزب توده ایران در سوئد

ژوئن (۱۳ و ۱۴ خرداد ماه) در شهر زالسبورگ برگزار گردید، مسئول حزب کمونیست در این شهر، ضمن ایراد بیاناتی در دفاع از حزب توده ایران از شرکت کنندگان در جشن دعوت کرد که با تمام وسائل به حمایت از حزب و زندانیان مبارز توده‌ای برخیزند و به عنوان اولین اقدام در این زمینه، از خواست اعزام هیأتی جهت بازدید از زندانیان پشتیبانی نمایند.

● در تاریخ نهم ژوئن (۱۹ خرداد ماه) در مراسمی که به پیشنهاد بود سالروز تیرباران یکی از مبارزین ضد فاشیست اتریشی برگزار شد، ۴۰ تن از شرکت کنندگان، با تهیه نامه‌ای با درس سفلت ج ۱۰۱۰ در وین، پس از بر شمردن تاریخچه مبارزاتی حزب توده ایران، از اینکه در مورد بهترین مدافعان انقلاب ایران، این چنین روشهای ددمشانه‌ای اعمال می‌شود، ابراز تنفر کرده و ضمن مطرح کردن خواست آنان، از اعزام هیأتی با ایران، جهت بازدید از زندانیان توده‌ای، پشتیبانی کرد ماند.

- حزب چپ کمونیستهای سوئد VPK ● حزب کارگری کمونیست سوئد APK ● سازمان جوانان کمونیست سوئد SKU ● جوانان کمونیست KU ● حزب کمونیست عراق در سوئد ● حزب کمونیست یونان KKE ● حزب کمونیست اورگوته ● سازمان دانشجویان عراقی عضو GUSIR ● سازمان دانشجویان کرد در اروپا - بخش سوئد ● سازمان زنان کرد ● سازمان جوانان کمونیست یونان KNE ● جبهه خلق برای آزادی فلسطین PFLP ● کمیته صلح سوئد ● حزب کمونیست پرتغال ● حزب کمونیست بولیوی.

یونان

روز سه شنبه بیست و هشتم ماه ژوئن (هفتم تیرماه)، از طرف سازمانهای حزب کمونیست یونان، در هفت منطقه، تظاهرات اعتراضی در جلوی سفارت ج ۱۰۱۰ در آتن، ترتیب داده شد که در آن چند نفر از دمکراتهای یونان شرکت داشتند. شرکت کنندگان در تظاهرات، با

در هفته‌ای که گذشت:

گران قانونا هم باین رود . بخشی از مخالفین طرح نه برای دفاع از اصول قانون اساسی به این طرح ضد مردمی رأی ندادند، بلکه به این علت با آن مخالفت کردند، که طرح فوق برای آنها هنوز هم خارج از "شرع" شان بود .

ابوطالب محمودی در اینمورد اظهار کرد: " ما الان باید مردم را به سرمایه‌گذاری در کارکشاورزی تشویق کنیم و پولهای سرگردان را از بین ببریم . . . " و آقای علی حقیقت افشار معتقد بود که: " محدود کردن مالکیت حلال، صددرد اسلام، سعی و تلاش و جوشش را که لذت زندگی (!) وابسته به آن است، از جامعه میگیرد و . . . " و خلاصه همانطور که ذکر شد آنها حتی همین طرح را هم محدودکننده مالکیت می‌دانند و از اینرو با آن مخالفتند !

امپریالیسم مشروع و نامشروع

دولت در لایحه مربوط به نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی، مربوط به تحدید مالکیتها، که به مجلس داده شد، (که درباره آن بعداً صحبت خواهیم کرد) دست‌گل تازه‌ای به آب داده است. در ماده ۴ این لایحه پیش‌بینی شده است، که شعبه‌های دادگاه انقلاب اسلامی موظفند، نسبت به مشروعیت اموال و دارایی‌های اشخاصی که طبق بند سوم این ماده، "عضو و سهامدار شرکت‌های صادره شده و یا چندملیتی و شرکت‌ها و موسسات آمریکایی و اسرائیلی و انگلیسی بودند رسیدگی و اقدام کنند . . . " باید گفت که ما مخالفتی با رسیدگی و خلع ید واقعی - نه فقط در حرف - از کسانی که شریک غارت‌چیان و لگران خارجی این مردم بوده و هستند، نداریم . سنوآل این است، چیرا یکبار رسیدگی و اقدام در مورد اموال کسانی که با امپریالیستهای آلمان غربی، فرانسه، ایتالیا، و ژاپن - که نقش کمتری در چپاول هم میهنان ما نداشته‌اند به فراموشی سپرده شود و آب "مشروعیت" بر سر آنها ریخته می‌شود؟ آیا واقعا امپریالیسم "مشروعی" که "وجوه شویبه" را برداخته باشد وجود دارد؟

فساد و ارتشاء در سایه جنگ

زیر سایه جنگ تئور اقتصادی، فساد و ارتشاء از عواملی هستند، که در ماههای اخیر همراه با تعمیق روز افزون نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی و گسترش فقر و تنگدستی در جامعه، سراپای دستگاه حاکم و حیات اجتماعی میهن ما را فرا گرفته است .

اگر در یروز غارت‌محرکان آهن و شیشه و چای و برنج و سوآ استفاده پنهان از اموال عمومی گوشه‌ای از این دزدی‌پنهان را نشان میداده امروز دیگر به جنگ زدگان و خانواده‌های شهدا نیستز رحمی نمی‌شود . .

بد نیال اختلاس ۲۷ میلیون تومانی جهت ۵۰۰ دستگاه ساختمان برای اسکان جنگ زدگان از سوی منوچهر لاریجانی بنیاد جنگ زدگان و همچنین سوآ استفاده از مقام مدیریت این بنیاد نامضای از طرف ۱۱۰ تن از نمایندگان مجلس تسلیم بقیه در صفحه ۱۳

تشدید توطئه‌های امپریالیسم آمریکا در خلیج فارس

هفته گذشته، شولتز وزیر امور خارجه آمریکا به پاکستان مسافرت کرد و مانند سلف خود برزیسکی، از اردوگاه‌های باصطلاح "مجاهدین" افغانی نیز دیدار کرد .

وی پس از انجام مأموریت خود در پاکستان عازم عربستان سعودی شد تا به مأموریت خود ادامه دهد . ایچ - اید هماغه‌نگی و همکاری نظامی بین کشورهای پاکستان و عربستان سعودی به منظور سرکوب هر جنبش ضد دیکتاتور و ضد امپریالیستی در این منطقه، یکی از وظایف وزیر امور خارجه آمریکا است . این هدف در انطباق است با تدارکات توطئه‌گرانه اخیر امپریالیسم آمریکا در خلیج فارس، که تشکیل "سپاه مد اخله" سرچ "از سوی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج" و "توسعه" مانور مشترک نظامی از سوی آنها، جزئی از آن است ("راه توده" ۴۷ و ۴۸) .

معاون وزیر امور خارجه آمریکا نیز در نوامبر سال گذشته پاکستان را "لنگر ضروری تمام منطقه جنوب غربی" توصیف کرد . آمریکا در پیگیری این نظریه، عربستان سعودی را به تقویت روابط نظامی خود با پاکستان ترغیب کرده بود .

منافع امپریالیسم آمریکا اقتضا می‌کند که پاکستان بصورت جزئی از طرح امنیتی آمریکا برای خلیج فارس درآید . عربستان سعودی، ترکیه و مصر، دیگر اجزای این طرح هستند و بهمین علت است، که مقصد بعدی در سفر آقای شولتز وزیر امور خارجه آمریکا مصر است .

راستگرایان حاکم بر دولت جمهوری اسلامی ایران، که سیاست خارجی میهن ما را در جهت همکاریهای هرچه گسترده‌تر استراتژیک با کشورهای ترکیه و پاکستان سوق داده‌اند و نویسنده برقراری این همکاریها با عربستان سعودی نیز در سخنان رئیس‌جمهور با ژتاب یافته، آرزوی روی را می‌کشند، که از آقای شولتز بتوانند با آسودگی و فراغ‌بال در ایران پذیرایی نمایند و در این عرصه نیز از همکاران خود در ترکیه و پاکستان عقب نمانند .

مجلس شورای اسلامی، طرح حدود مالکیت را رد کرد

بالاخره پس از گذشت ۵ سال از انقلاب، طرح قانون حدود مالکیت در مجلس شورای اسلامی مطرح و مورد بحث قرار گرفت . این طرح به هیچ وجه پاسخگوی نیاز جامعه انقلابی، که تعیین حدود مالکیت را به منظور تعیین خطوط و حدود مرزهای مالکیت در سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی تنظیم می‌کند،

نیست . بر مبنای اصل ۴۴ قانون اساسی، بخش دولتی بخش‌صده اقتصادی است، که با بخش تعاونی اساس و پایه ساختار اقتصادی کشور را تشکیل می‌دهد: بخش خصوصی، نقش مکمل و بخش اول را به عهده دارد. حالیکه در بخش دولتی صنایع سنگین و مادر و بانکها و بومه‌ها متمرکز شده‌اند، بخش خصوصی از نظر وسعت سرمایه و بخش‌های مجاز تولیدی و اقتصادی محدود و شناخته می‌شود. در اصل ۴۴ این نکته چنین توضیح داده شده است:

"بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی دامداری، صنعت تجارت و خدمات می‌شود، که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است ."

چنانکه انتظار میرفت "طرح حدود مالکیت" که توسط راستگرایان و در روزهای تحکیم مواضع ضد مردمی آنها، به مجلس تقدیم شده بود، به این رسالتی که قانون اساسی ج ۱۰۱۰ - به قوه مقننه برای تصویب قانون اجرای اصل ۴۴ داده بود، وقتی نگذاشت .

آقای محمد اصغری وزیر دادگستری در مورد این طرح اظهار داشت:

" . . . بهتر بود اسم طرح را "اسباب تعلق" می‌گذاشتیم چون طرح بیشتر از اسباب تعلق صحبت می‌کند تا حدود مالکیت . . . سپس آقای محمد اصغری ضمن برشمردن تشابهات مواد این طرح با مواد قانون مدنی می‌گوید:

"در قانون اساسی در اصول ۴۷، ۴۶، ۴۵، ۴۴، ۴۳، ۴۰، دقیقاً حدود مالکیت و قدرت اصل لاضرر بیان شده، بنده فکر می‌کنم که در این طرح باید اشاره می‌شد که قانون اساسی اصلاً مالکیت‌های بزرگ را رد کرده است و افراد نمی‌توانند در کارخانه‌های بزرگی که در اصل ۴ آمده است، مالکیتی داشته باشند ."

این طرح در رأی‌گیری از سوی نمایندگان رد شده . نکات قابل ذکر دیگر بعضی از اظهار نظرات موافقان و مخالفان این طرح، که پرد از هدف نیروهای هوادار کلان سرمایه‌داری و بزرگ مالکی برمی‌آید، از جمله توسط صید خدائی بعنوان یکی از موافقان بیان شد . او اظهار کرد:

"جامعه باید از نظر مالکیت ثبات و اطمینان پیدا کند . . . عزت‌الله دهقان موافق دیگر اظهار کرد: "در اسلام حد عددی و هندسی برای مالکین معین نشده است . . . وی از "اسلام" خود نیز مایه گذاشت و پای مستضعفان را هم به میان کشید وی گفت: "خدا همانطور که می‌خواهد طرف مستضعفین رعایت شود، می‌خواهد مالکیت هم محترم باشد . . . آقای عباس عباسی بعنوان موافق دیگر اظهار نظر کرد که: "امنیت مالی باید هم‌کشور ایجاد شود و این امر صریحاً باید اعلام گردد" تا در واقع آب‌خوش از گلو غارت-

در هفته‌ای که گذشت:

بقیه از صفحه ۱۲

رئیس مجلس شد تا تذکری را به نخست وزیر ابلاغ کند. در این نامه که از "علکرد مسعود" مدیریت امور جنگ زدگان "اظهار ناراضی شده است پس اشاره به "انبوه تخلفات" آقای کریمی نوری سرپرست بنیاد جنگ زدگان نامبرده را رسماً محکوم کرده و از وزارت کشور میبرد، چرا وزارت کشور بر خلاف رای مجلس مدبر بنیاد را عوض نمی‌کند؟ "با این وجود جای تعجب اینجاست که چگونه بقول آقای رشیدیان نماینده مردم آبادان "مسئولین سابق بنیاد جنگ زدگان همه تخلف کردند، علاوه بر آن ارتقاء مقام نیز یافتند؟" بقول معروف اموال عمومی را بسا لا کشید هاند و آب خنکی هم پس از آن نوش جان! و همچنان بعنوان نماینده و وکیل و وزیر و فرماندار و استاندار در ارگانهای دولتی جا خوش کرده، محکم نشسته اند و داعیان پروپاگوس "عدالت اسلامی" هم شده اند و ارتقاء مقام نیز می‌پایند. آنگاه آقای نخست وزیر تازه می‌گویند: "طبعاً خود این مسئله هم در جامعه یک تنش‌های حساسی را بوجود می‌آورد که باید بسا تجزیه و تحلیل دقیق با آن روبرو شد" (کیهان ۴ تیر ۶۲).

مردم ما دیگر چه خونبهایی را باید بپوشانند تا امثال هژم یزدانیه و خرم‌ها، پوراستادها و خاموشیها بر جان و مالشان حکم نزنند؟! نمونه‌های دیگر از رواج چنین فساد و غارتگری در اختلاس ۱۸ میلیون تومانی فرماندار سابق یکی از شهرهای استان خوزستان است. نماینده مردم آبادان می‌گوید:

"قهر بیشتر تعجب خواهد فرمود اگر بگویم که متخلف در سطح معاون وزیر، آن هم در ارگانی که پاسدار ثروت عمده کشور است جا خوش کرده است" و "هر کس که در کشف جرم و در تعقیب متخلف کمک نمود خودشی از طرف مسئولین استان خوزستان تحت تعقیب قرار می‌گیرد".

این مشت نمونه‌ای از خروار، نمونه‌ای از رشده فساد و غارت مردم، و فقط گوشه‌ای از آن چیزی است که به گفته محمد رشیدیان "محرمات برای مسئولین گفته‌ام" و آنهم فقط از استان خوزستان. بیشک استقرار مناسبات سرمایه‌داری که ارکان آن بر اساس استثمار نیروی زحمتکشان، دزدی، غارت، ارتشاء و ثروت اندوزی استوار است، هز مولد فساد و تباهی نیست.

تفتیش عقاید

اصل ۲۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصریح می‌کند که تفتیش عقاید ممنوع است. آیا دولت جمهوری اسلامی ایران وارگانهای تابعه که باید اجرا کنند این قانون باشند، به آن عمل می‌کنند؟

کنکور سراسری گزینش دانشجویان رشته‌های پزشکی و چند رشته دیگر پس از ۳ سال که باز گشایی دانشگاهها به تعویق افتاد، بالاخره ماه

ها پیش انجام گرفت تا لاقلاً بتدریج آموزش عالی روال عادی خود را باز یابد. تأخیر طولانی در بازگشایی دانشگاهها باعث افزایش موج ناراضی مردم و تذکر مکرر مقامات عالی‌رتبه جمهوری، از جمله آیت الله العظمی منتظری گشت، که به حق خواستار گشایی مجدد دانشگاهها بود. بالاخره کنکور انجام گرفت و دیلمه‌های جویای علم مشتاقانه در آن شرکت جستند تا بسا گذشتن از خوان اول، در دانشگاه ثبت نام کرده و از جمله در رشته حیاتی پزشکی با هدف یاری رساندن به حل معضل کمبود پزشک و وضع نساً بسامان بهبود اشته تحصیل کنند.

اما آیا برخورد مسئولین نیز به این امر حیاتی مسؤلاته است؟

پس از گذشت چندین ماه از کنکور هنر اساسی قبول شدگان اعلام نشده است، وزارت علوم آموزش عالی در مقام پاسخ به پرسش پیرامون علت تأخیر در اعلام اساسی قبول شدگان، مدعی شد که این وزارتخانه "بی‌گناه" است و کمیسیون تحقیق درباره قبولشدگان کار خود را به پایان نرسانده است. این "کمیسیون تحقیق"، کمیسوزنی است که برای حفظ "ضوابط شرعی" به تحقیق درباره قبولشدگان پرداخته و موظف شده است نظرسر دهد، که چه کسی از قبولشدگان کنکور شایسته تحصیل است. بدیهی است که "ضوابط شرع" آنها نه بر آن پایه است، که چه کسی از قبولشدگان از پایه‌های علمی لازم برخوردار است و آنقدر استعداد فراگیری دارد، که بتواند این علم را بیاموزد، بلکه آنها در جستجوی کسی هستند که پس از تفتیش عقیده‌اش "شایستگی" پزشک شدن را دارا باشد! اگر اینجا هم "ضوابط شرعی" آن است، که در بکار گرفتن عمال ساواک، بکار گرفته شده است، که وای بسه آینده پزشکی میهن ما.

البته وزارت فرهنگ قول داده است تا در آینده شیوه‌های سرپرستی برای تفتیش عقاید به کارگیرد، از جمله با "معرفین" (؟) داوطلب مکاتبه شود و با ارگانهای مختلف (کدام ارگانها؟) تماس گرفته شود.

آقای محمد علی نجفی وزیر فرهنگ و آموزش عالی ج. ۱۰۱۰. حل مشکل را در ایجاد تحول در دستگاه تفتیش عقاید می‌داند و می‌گوید:

"با توجه به مشکلات تحقیق در کنکورهای گذشته و تأخیر در اعلام نتایج در نظر داریم نظام تازه‌ای را در زمینه تحقیق (بخشوان تفتیش عقاید) به اجرا در آوریم بدین نحو که با معرفین داوطلبین مکاتبه و با ارگانهای مختلف در آینده تماس گرفته می‌شود و پیش‌بینی می‌کنم که از این راه مهلت تحقیق کاهش یابد".

بالاخره آقای وزیر با کمال خونسردی اعلام می‌کند که: "با توجه به کثرت تعداد داوطلبین در آزمون سال تحصیلی جاری قول شروع کلاسهای قبول شدگان در مهرماه آینده داده نمی‌شود اما کلاسهای کسانیکه در کنکور گذشته قبول شد تدر اول سال تحصیلی ۶۲-۶۳ دایر خواهد شد.

آقای وزیر گمان می‌کند و می‌خواهد به دیگران بقبولاند که در واقع علت بحرانی که دانشگاه‌های ما را فرا گرفته

است نه در اثر سیاستهای خرابکارانه عناصر مشکوک و قشری و راستگرایان است بلکه در نتیجه نارسایی سیستم "تحقیق" (بخوان تفتیش عقاید) وزارت فرهنگ و آموزش عالی است و گمان میکند با بالابردن راندمان دستگاه تفتیش عقاید مشکلات حل خواهد شد.

طبیعی است وقتی که وظیفه حفظ "مملکت" و "امنیت" به دست ساواکیهای جناب سهرده شود، سرنوشتی جز پایمال شدن قانون اساسی نصیبش نخواهد شد و جوانان جویای علم و خواستار خدمت به میهن به سرگردانی محکوم میشوند. حال باید پرسید چه کسی به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پای بند است! مطمئناً نه آنکسانی که تفتیش عقاید را در میهن ما برقرار ساخته‌اند!

درگیری مالکان

بادهقانان ادامه دارد

هر روز که می‌گذرد اخبار تازه‌ای در مورد درگیری شدن خوانین و بزرگ مالکان با دهقانان به گوش می‌رسد.

دهقانان زحمتکش میهن ما از طرف بزرگ مالکان و خوانینی که جهت بازپس گرفتن زمین‌های تقسیم شده به روستاها بازمی‌گردند به اشکال مختلف مورد ستم و ظلم واقع می‌شوند و هیچ مرجعی که دهقانان بتوانند خواست‌های بحق خود را که از انقلاب انتظار داشتند، از او بخواهند وجود ندارد. آنها در مقابل بزرگ مالکان فراری که اکنون با تحکیم مواضع راستگرایان در حاکمیت بازگشته‌اند از حمایت هیچ ارگانی برخوردار نیستند و دادگاه‌ها نیز بی‌دربی دهقانان را محکوم کرده و به زندان می‌اندازند.

در هفته گذشته نیز عده‌ای از اهالی روستای ولیده، خواستهای به حق خود را طی نامه‌ای که در روزنامه "ج" ۱۰ مورخ ۴ تیر ماه ۶۲، چاپ رسید اعلام داشتند متن نامه به این شرح است: "متأسفانه زمین داران و سرمایه‌داران بزرگ فرصت طلبانه از پیام ۸ ماده‌ای امام سوء استفاده کرده و جهت نصب دوازه سرمایه‌ها و زمین‌های غیر شرعی خود که در رژیم منحوس گذشته با زور سر نیزه بدست آورده بود ند به تکاپو افتاده و سرگرم توطئه می‌باشند تا باردیگر برگرده کشاورزان مظلوم که عمرشان را در راه آباد کردن زمین‌ها داده‌اند سوار شوند. برای نمونه در روستای ولیده مالکین بزرگ بار دیگر درصد دغصب زمین‌ها هستند. امید داریم با تصویب قانونی در مجلس شورای اسلامی ما دهقانان مستضعف بتوانیم در چهار چوب قانون با دلگرمی هرچه بیشتر به کار خود بر روی زمین‌ها ادامه دهیم.

امضاء عده‌ای از اهالی

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

مشکل حل نشدنی مسکن

یکی از بزرگترین دشواری‌های توده‌های ما در این کشور، مسئله مسکن است، که در عین حال یکی از میدانهای غارت بی بند و بار سرمایه‌داران "ب ساز و بفروش" و اجاره خوار بوده و هست.

باید این واقعیت را یادآور شد که پس از پیروزی انقلاب هم تاکنون، حتی برپایه امکانات موجود، یعنی حل مسئله مسکن در چهارچوب تقسیم عادلانه ساختمان‌های مسکونی موجود، با تمام ادعاها و تعهدات، اقدامی انجام نگرفته است.

اظهارات اخیر وزیر مسکن و شهرسازی که بیان به بن بست رسیدن "راه حلهائی" است که تا کنون حاکمیت جمهوری اسلامی ارائه و ناموفق آزمایش کرده است، هنوز پاسخ روشن و کافی و عملی برای حل این معضل نیست.

وزیر مسکن و شهرسازی در سفر به تبریز اعتراف کرد که:

"(ما) حدود ۲ میلیون واحد مسکونی کم داریم."

وی اظهار داشت که برطرف کردن این کمبود در برنامه ۵ ساله آینده در نظر گرفته شده است و مدعی شد:

"به این منظور، علاوه بر ۱۰۰۰۰۰ واحد مسکونی در برنامه ۵ ساله اول ۳۰۸ هزار واحد مسکونی نیز در سال جاری در کشور ساخته می‌شود" (اطلاعات، ۲ تیر).

این اظهارات در درجه اول تعهد دیگری است، که دست‌اندرکاران جمهوری اسلامی ایران برای چندمین بار به مردم می‌دهند و ثبت تاریخ می‌شود. زمانی بود که از سوی آیت‌الله خسترو

شاهی، مسئول وقت بنیاد مسکن، بنیادی کسه محرومین و مستضعفین به آن دل بسته بودند و برای تقویت بنیه مالی آن از بذل تنها ذخیره هایشان، یعنی زیورات محقر زنان و کودکان دریغ نکردند، و عده داده میشد که ظرف مدت سه سال

به هر خانوار ایرانی یک واحد مسکونی تعلق می‌گیرد. روزی اعلام کردند که بنیاد خانه‌های خالی کسانیکه که دهها و صدها واحد مسکونی دارند، گرفته‌شده و به افراد بی‌پناه داده شده، که البته عملی نشد. روزی می‌خواستند خانه‌های خالی را به کمک دادگله‌های شرع "اجاره دهند، و روزی دیگر خواستند،

که مسکن دیگر "کالا" نباشد و روز دیگر واگذاری زمین را برای ساختمان عنوان کردند. و تا بسه امروز از هیچکدام از این "طرحها" سرپناهی بالای سر خانواده‌های بی‌خانه و مستاجرین، کسه قسمت اعظم درآمدشان را باید بابت اجاره بدهند،

نیامده است.

طرح ساختن ۲ میلیون واحد مسکونی طی ۵ سال، بدون تدارکات لازم برای انجام آن، نیز راه دورتری از "طرح‌ها" و "راه‌حلهای" مذکور نخواهد رفت.

این سردرگمی و تلاطم فکری در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران برای حل مسایل بنیادین جامعه پدیدهای است، که روز بروز بیشتر بر مردم میهن ما آشکار می‌شود و ما نمونه آنرا در نامه خوانندگان تحت عنوان "راه حل اساسی مشکل زمین به برنامه ریزی نیاز دارد" می‌بینیم.

این نامه اتفاقاً در همان شماره روزنامه "اطلاعات" که سخنان آقای وزیر مسکن را نقل کرده بود، بسه چاپ رسیده است. نویسنده "نامه" که نظر بسه

پاسخ قبلی آقای وزیر مسکن دارد، می‌نویسد: "پاسخ وزیر مسکن و شهرسازی بیشتر روی مسئله زمین و نحوه تقسیم اولویتها دور میزند. از سیاست وزارت مسکن و شهرسازی در مورد خانه سازی چیزی اشاره نشده است. ۰۰۰ مشکل يك خانواده از نظر مسکن تنها زمین نیست، (که آقای وزیر مسکن ادعا دارد، که با تقسیم زمین ۸۰ درصد مشکل حل می‌شود، حتی اگر) فردا ۰۰۰ زمین (هم به) خانواده ها واگذار شده، تازه اول مشکلات آغاز شده است. آجر، چوب، آهن، سیمان، گچ، موزائیک، آب، برای مصالح ساختمانی فکری اساسی شده است؟"

بلی، اینهاست نظریات و آنهم معتدل ترین نظریات، که روزنامه‌های مجاز اجازه چاپ آنرا دارند، در میان مردم میهن ما نسبت به این "طرح‌ها" و "راه‌حل‌ها".

نیازی به توضیح نیست که برای حل واقعی مشکل مسکن فکر اساسی نشده است. زیرا برنامه دولت از زبان آقای وزیر مسکن در همان اظهارات (در تهریز) آنست، که امر خانه سازی به "کلیه اقشار مختلف مردم، بخش خصوصی تعاونی" واگذار شود که با "فعالیت حدود ۱۱۰۰۰ الی ۱۰۰۰ درصدی که دولت در این زمینه خواهد داشت تکمیل شود."

معنای این سخنان آنست که سیاست خانه سازی و تهیه مسکن باز هم نظیر سیاست مربوطه رژیم گذشته بوسیله "بخش خصوصی" یعنی سرمایه داران بساز و بفروش و اجاره خوار تعیین شود.

و این سیاست دولتی است که بموجب اصل ۴۳ قانون اساسی برآمده از انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ۲۲ بهمن موظف به تأمین مسکن برای همه شهروندان است.

تنها راه برون رفت از معضل مسکن تدارک شرایط و اجرای پیشنهاد حزب توده ایران در این مورد است. حزب ما در برنامه سال ۱۳۶۰ خود درباره حل مسئله مسکن از جمله چنین تصریح می‌کند:

"حل مسئله مسکن یکی از مهم ترین وظایف دولت مردمی است و باید آنرا بعنوان یکی از مهم ترین بخش‌های اقتصادی مربوط به زندگی مردم، بطور عمده و تعیین کننده در بخش دولتی و تعاونی متمرکز ساخت. تنها از راه تدارک و عملی ساختن يك برنامه جامع و دراز مدت میتوان برای مشکل اجتماعی چیره شد و تنها از راه توسعه همه جانبه فعالیت بخش دولتی و تعاونی در زمینه تهیه مسکن ارزان قیمت برای زحمتکشان میتبوان بخش خصوصی فعال در زمینه خانه سازی را زیر کنترل قرار داد و امکاناتش را در چهارچوب برنامه ریزی عمومی یکا گرفت. کمک به خانه سازی انفرادی از راه دادن وام های مسکن نیز تنها در چهارچوب چنین برنامه ریزی عمومی از لحاظ استفاده عقلایی از مصالح ساختمانی و نیروی کار و ضروریات شهر سازی می‌تواند به نتیجه مثبت برسد."

مفهوم انترناسیونالیسم پرولتری، میهن دوستی واقعی است

بقیه از صفحه ۴

را در حیات روزمره آزمود هاند. مناسبات حزب توده ایران با کلیه احزاب برادر و از جمله حزب کمونیست اتحاد شوروی را همباید از این دیدگاه مورد ارزیابی قرار داد. دشمنان طبقه کارگر به جانبداری ما از نخستین کشور سوسیالیستی جهان سخت معترضند و آنرا دلیل "وابستگی" ما به اتحاد شوروی میدانند. ولی هیچ اتهامی نمی‌تواند ما را از راهی که آنرا در انطباق کامل با مصالح عالی میهن می‌شماریم، منصرف سازد. ما پاره‌ها گفته و بساز تکرار می‌کنیم که لطمه زدن به اعتبار احزاب کمونیست و کارگری و کشورهای سوسیالیستی رانکه دوستان طبیعی انقلابات آزادی بخش می‌باشند، تضعیف مجموعه روند انقلابی و مآل تقویت ضد-انقلاب و امپریالیسم در جهان می‌دانیم.

استمدید به تنظیم گردد، راه دیگری وجود ندارد. منافع از انترناسیونالیسم پرولتری را يك ضرورت حیاتی می‌شماریم. زیرا انترناسیونالیسم پرولتری نیروی شگرفی است، که منافع اساسی صبه کارگر و همه زحمتکشان را تجسم می‌بخشد. ما اعتقاد راسخ داریم و تجربه تاریخی نیز مؤید آن است که مبارزه انقلابی در داخل هر کشوری با مبارزه طبقاتی در عرصه جهانی و نقش سیستم جهانی سوسیالیسم در این پیسکار بی‌امان، پیوند ناگسستنی دارد. بین الطلعی شدن مبارزه انقلابی محصول قدرت روزافزون سیستم جهانی سوسیالیسم و محصول بسط انترناسیونالیسم پرولتری بر تمام جهان است. میلیونها انسان در کشورهای آزاد شده از سیطره استعمار و نواستعمار، تاثیر خیا تبخش این اصل

سردرگمی وزارت صنایع سنگین!

نمود دیگر خود را در این طرح وزارت صنایع سنگین یافته است. آخرین نکته‌ای که از مطالعه این طرح‌ها می‌تواند مورد توجه قرار گیرد، آنست که وزارت صنایع سنگین، که برای اولین بار در ایران بعد از پیروزی انقلاب تأسیس شده، و هدف از تأسیس آن برنامه ریزی و اقدام به ایجاد صنایع سنگین و رشد و گسترش آن بوده است، اولین طرح به اصطلاح "جامعی" را که مطرح می‌سازد، درباره ایجاد کارگاه‌های کوچک تولیدی است. تردیدی نیست که جمهوری اسلامی ایران در این زمینه این گونه طرح‌های در هم و پدیدون دورنما و کوتاه نفس که سقوط به دامن امپریالیسم را تشدید می‌کند، صاحب صنایع سنگین نخواهد شد و به "خودکفایی" هم نخواهد رسید.

تمام این سردرگمی‌ها را باید کوششی به منظور به فراموشی سپردن اصل ۴۴ قانون اساسی در کرد که وزارت صنایع سنگین درست برای تحقق آن ایجاد شده است ولی اکنون برای اسب دار شدن فعلا به تهیه نعل آن پرداخته است.

صحبت نمی‌کنیم) ادامه می‌یابد.

بنابر شواهد امر و "سیاست‌های" اعلام شده می‌توان به این نتیجه رسید، که هدف وزارت صنایع سنگین نه ایجاد پایه‌های صنعتی (از نوع ملی و مستقل آن) بلکه ایجاد واحدهای کوچک "تولید انبوه" است که عملا در خدمت صنایع مونتاژ قرار می‌گیرد. اگر دولت و به تبع آن وزارت صنایع سنگین خیال می‌کنند که از این جهت می‌توانند به میزان وابستگی صنایع مونتاژی خارج بکاهند سخت در اشتباهند. اینکار جز هدر دادن منابع مالی دولتی چیزی به دست نخواهد داد.

این طرح‌ها به حق نگرانی مردم میهن ما را که شاهد بازگشت راه پیموده شده توسط جمهوری اسلامی ایران هستند، برمی‌انگیزد. مردم این سوال را مطرح می‌کنند که آیا "سیاستی" که خواهد داد منابع و امکانات اقتصادی کشور را در خدمت صنایع مونتاژ قرار دهد یا سیاست رژیم گذشته فرقی دارد؟ آیا اعمال اینگونه "سیاست‌ها" باز هم ایران را در کمند وابستگی امپریالیستی و تقسیم کار بین‌المللی سرمایه‌داری نگه نمی‌دارند؟

در پرتو این واقعیت است که تصمیم دولت مبنی بر پرداختن تا ۷۰ درصد کل سرمایه این واحدها بصورت وام به متقاضیان نگرانی می‌آفریند. آیا وزارت صنایع سنگین در نظر دارد با دادن ۷۰ درصد کل سرمایه این واحدها بصورت وام بی بهره به متقاضیان (ب) عدای را با بیت‌المال سرمایه دار کند؟

در این مورد آقای مهندس محمودی اظهار می‌دارد که "بانکهای سپه استان به منظور مشارکت در ایجاد این واحدها تا ۷۰ درصد وام به متقاضیان خواهند داد." از این گفته چنین بر می‌آید که هدف دولت نه سهم شدن در این واحدهای تولیدی است، که ۷۰ درصد سرمایه آن از بیت‌المال پرداخت شده، و حتی نه تأمین نظارت دولتی بر عملکرد این واحدهای تولیدی است، بلکه می‌خواهد فقط در ایجاد این واحدها مشارکت کند. و از این طریق دولت جمهوری اسلامی ایران را بابت "المال خلق را به نردبان سرمایه‌داری شدن یک عد و تبدیل کند و بویژه اگر "وام" نه بصورت اعتبار بلکه بصورت پرداخت پول انجام شود.

حمایت از صنایع آنهم صنایع کوچک و متوسط امر لازم و ضروری است که باید دولت در این زمینه کوشا باشد. اما این "حمایت" از طرف وزارت صنایع سنگین را، یعنی اعطای تا ۷۰ درصد کل سرمایه، جز سرمایه‌داری پروری به چیز دیگری نمی‌توان تعبیر کرد.

هرچ و مرج در برنامه ریزی و عدم وجود طرحی جامع و واقع بینانه که از رهنمودهای مصرحه در قانون اساسی برخاسته باشد و از اهداف استقلال طلبانه و عدالت‌گسترانه انقلاب نشأت گرفته‌ایا شد،

مصاحبه ذو تن از کارشناسان وزارت صنایع سنگین درباره طرح‌های این وزارتخانه که گویا برای حمایت و گسترش "واحدهای کوچک تولیدی" است، که ۷۰ درصد طریق اعطای وام دولتی تا ۷۰ درصد سرمایه‌های لازم به متقاضیان قرار است ایجاد شود، ما را بر آن داشت تا پیرامون مطالب عنوان شده و سیاست دولت در این زمینه نظر خود را بیان کنیم.

مهندس قاسمی، یکی از کارشناسان طرح و برنامه ریزی وزارت صنایع سنگین، در این مصاحبه (اطلاعات ۲۶ خرداد ۶۲) اظهار داشت که این وزارتخانه در نظر دارد بر اساس سه طرح اساسی به ایجاد مراکز تعمیراتی، تولیدی، تراشکاری، قالب سازی و ماشین سازی در قطب‌های صنعتی شهرها و روستاها کمک کند. بر طبق این گفته‌ها ادعا می‌شود که هدف ایجاد امکانات لازم برای تأسیس واحدهای تخصصی "کوچک" "تولید انبوه" است. همچنین هدف بر طرف کردن نیازهای مالی و فنی سایر کارگاه‌های صنعتی موجود در کشور نیز می‌باشد.

چنین برنامه‌هایی در زمان بنی‌صدر هم بسا بوق و کرنا اعلام شد و میلیونها ریال به انفراد "وام" پرداخت شد، که همه به باد هوا رفت و نتایج‌ای برای توسعه تولیدات نداشت.

ایجاد و گسترش واحدهای کوچک تولیدی که باید در حلقه تولید بزرگ وارد شود و در خدمت تولید بزرگ قرار گیرد، چیزی است لازم و اگر سیاست اقتصادی - صنعتی درستی در این زمینه در پیش گرفته شود، می‌تواند به استقلال اقتصادی کشور یاری رساند. باید یادآور شد، که هدف از این گونه واحدهای صنعتی کوچک، تولید مواد نیم ساخته و بخش‌ها و اجزای یک محصول مرکب و یا ارائه خدمات برای صنایع بزرگ است. نکته دیگر و اساسی‌تر آنکه موجودیت این گونه صنایع کوچک و خدماتی تنها در سایه ایجاد و گسترش صنایع سنگین و مادر ممکن است و معنی واقعی خواهد یافت. لیکن آنچه که در طرح کنونی وزارت صنایع سنگین نمی‌توان یافت

آنست، که آیا این طرح بخشی از طرح کلی دولت در جهت صنعتی کردن کشور است که، ایجاد صنایع بزرگ و مادر باید حلقه مرکزی آنرا تشکیل دهد؟ یا اینکه سیاست دولت در جهت تاکید بیشتر به ایجاد همین واحدهای کوچک تولیدی سیر میکند؟ تاکنون هیچ طرحی که بیان کننده سیاست دولت در زمینه توسعه صنایع سنگین و مادر باشد، منتشر نشده است و هفسان سیاست قبلی مبنی بر حفظ صنایع مونتاژ و غیر اساسی و عدم گسترش لازم صنایع مادر از جمله صنایع فولاد (که هنوز ۵۰ درصد تیراهن مورد نیاز کشور از خارج وارد می‌شود، از کمبود انواع فولاد

بیانیه کمیته برون مرزی حزب توده ایران

بقیه از صفحه ۱

مقامات "امنیتی" ایران با خود اری هدفندانه از انتشار لیست کامل دستگیرشدگان حزب توده، ایران و جلوگیری از دیدار ناظران و کارشناسان بیطرف بین‌المللی از زندان‌های ایران، همچنان به پرده پوشی بر هرگونه ددمنشی دیروز، امروز و فردای خویش ادامه می‌دهند.

کمیته برون مرزی حزب توده، ایران از دولت جمهوری اسلامی ایران می‌خواهد، تا هر چه زودتر به انتشار لیست کامل دستگیرشدگان و زندانیان کنونی حزب توده، ایران مبادرت ورزد.

حزب توده، ایران همه عناصر، نیروها و سازمانهای آزادپخواه و دمکراتیک را در سراسر جهان فرا می‌خواند، تا با ادامه و گسترش کارزار همبستگی خود با زندانیان توده‌ای و دیگر برزندگان هوادار انقلاب ضد استبدادی، ضد امپریالیستی و مردمی ایران، رژیم جمهوری اسلامی را به خاتمه سرکوب وحشیانه حزب توده، ایران و آزادی فوری و بلاشرط زندانیان توده‌ای و دیگر هواداران اصیل انقلاب وادار سازند.

پایدار باد همبستگی گسترده با زندانیان توده‌ای!

کمیته برون مرزی حزب توده، ایران

۱۴ تیرماه ۱۳۶۲



گامی تازه در جهت حفظ صلح

دبیران کل و اول احزاب کونیست و کارگری کشورهای سوسیالیستی اروپا، همراه روسای شورای وزیران، وزرای امور خارجه و دفاع این کشورها در مسکو با هم دیدار کردند تا درباره مسائل پیرامون حفظ صلح و خصوصاً مذاکرات ژنو به تبادل نظر پردازند.

در بیانیه مشترکی که در پایان مذاکرات منتشر شد با ترسیم اوضاع متشنج بین المللی و تیره شدن مناسبات میان کشورها و خطری که میتواند فاجعه هسته‌ای در بر داشته باشد، اشاره شده است، که کشورهای غربی هنوز هیچ پاسخی به پیشنهادات کنفرانس سزان پیمان ورشودر پراگ نداده‌اند. در این بیانیه خاطر نشان شده است، که علیرغم گسترش دامنه مسابقه تسلیحاتی و با وجود مذاکرات متعدد خلیج سلاح هنوز هیچ پیشرفتی در این زمینه دیده نمی‌شود. از این جملات مذاکرات ژنو پیرامون تحدید سلاحهای هسته‌ای در اروپا، مذاکرات ژنو درباره تحدید سلاحهای استراتژیک در اروپا، مذاکرات وین و کمیسیون خلیج سلاح ژنو. در این بیانیه گفته شده است که:

" اکنون این پرسش که چگونه میتوان از تحول مخاطره آمیز اوضاع و سقوط به ورطه فاجعه جلوگیری نمود، در برابر تمام خلقها و ملتها



قرار دارد:

توقف فوری مسابقه تسلیحاتی و خلیج سلاح، مسئله مرکزی زمان ما را تشکیل می‌دهد. در این بیانیه انعقاد موافقت نامهای پیرامون تحدید سلاحهای هسته‌ای در اروپا، از جمله عدم استقرار موشکهای اتمی جدید، ممکن شمرده شده است. به این شرط که طرفین حداکثر تفاهم متقابل و خواست سیاسی برای رسیدن به این هدف را از خود نشان دهند.

شرکت کنندگان در این دیدار به دست زدن به هر اقدامی برای رسیدن به توافق پیرامون عدم استقرار موشکهای میانبرد جدید در اروپا و تحدید موشکهای میانبرد موجود فرا خواندند. در بیانیه پایانی کنفرانس هم چنین خواسته شده که به خاطر حفظ صلح و امنیت خلقها لازم است، سلاحهای هسته‌ای تمام قدرتهای هسته‌ای، بویژه آمریکا و اتحاد شوروی در سطح کنونی بمانند. در این سند همچنین خواسته شده است، که هزینه‌های نظامی از سال آینده

افزایش نیابد، بلکه تدریجاً کاهش داده شود. در این بیانیه هم چنین تأکید شده است، که مرزهای اروپا غیر قابل تغییراند و هیچگونه اجازهای به کسب برتری نظامی در این قاره داده نخواهد شد.

در جستجوی کدام "قهرمان" اند؟

بقیه از صفحه ۶

به لب می‌رسانند آنها با بعب گذاری و ترور، با تمام وسائل و شیوه‌های مافیائی تدارک ناامنی، بی قانونی، خفقان و سرکوب و غارت را می‌بینند، درست به این منظور که بتوانند با صدق بلند و گیرای مناد یان و مبلغان حماسه خون، برای " دست آهنین " حماسه بخوانند و تدارک سر کار آمدن " قهرمانان " خود را، که از نوع هیترهای آلمانی، پینوشه‌های شیلیائی، ورن های ترکی و نیریه‌های سودانی و... هستند، ببینند. آیا تسلیم طلیان نمی‌بینند و درک نمی‌کنند که نمی‌توان با عقب نشینی و تسلیم طلبی از پس صراط خدمت به زحمتکشان گذشت؟

کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!

رفقای هوادار حزب توده ایران در گرانس (اطریش) هزینه چاپ این شماره "راه توده" را تأمین کردند

رفیق ۱۸۱۸ سوشد ۳۰۰ کرون فرایبورگ ۳۰۰ مارک

RAHE TUDEH
No. 49
Friday, 8 July 83
Address: Winfried Schwarz
Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90

Price:	England	30	P.
West-Germany	Belgium	22	Fr.
1	DM Italy	600	L.
France	3 Fr. U.S.A.	40	Cts.
Austria	8 Sch. Sweden	3	Skr.

اطلاعیه فدراسیون سندیکائی جهانی - پراگ ۱۴ ژوئن ۱۹۸۳ همبستگی باز زحمتکشان و سندیکاهای ترکیه به مناسبت سالگرد روز "مقاومت عمومی" زحمتکشان ترکیه (سال ۱۹۷۰)

آمد نتوانست روح "مقاومت عمومی" سال ۱۹۷۰ را خفه کند. اختناق ضد سندیکائی و ضد کارگری که حلقه‌ای از سیاست عمومی ضد ملی است نتوانست مبارزات زحمتکشان ترکیه را متوقف سازد. برنامه ریاضت عمومی، سقوط ناگهانی دستمزد واقعی، از دیاد سریع بیکاری، محضول مستقیم نظم ارتشی، موجب تشدید بحران اقتصادی و ناپسندانی زندگی اجتماعی در همه مظاهر جامعه است. با روی کار آمدن رژیم نظامی در ترکیه، سیاست دولت هرچه نزدیکتر در جهت یک سوئی و همکاری با سیاست محافظ نظامی تجاوز کار "اوتان" سوق داده شد. رژیم نظامی برای نیروهای واکنش سریع آمریکا، پایگاه نظامی بوجود آورد که علیه ملت‌ها و خلقهای منطقه مورد استفاده قرار گیرد. همه اینها تهدیدی است علیه صلح و امنیت زحمتکشان و خلق ترکیه در سراسر منطقه و جهان.

۱۶ و ۱۷ ژوئن سال ۱۹۷۰ تاریخ جنبش سندیکائی ترکیه و جنبش کارگری بین المللی اهمیت خاصی دارد. در چنین روزی، هزاران زحمتکش ترک در استانبول و نواحی اطراف آن دست به اعتصاب زدند و شهر را فلج کردند. این تاریخ بخون روز "مقاومت عمومی" اعلام گردید. این اعتراض پر دامنه علیه طرح ارتجاعی دولت ترکیه، که برای تجدید نظر در قوانین سندیکائی و غیرقانونی کردن سندیکاهای رزمند "دیسک" تهیه شده بود، صورت گرفته است. فدراسیون سندیکائی جهانی بنیاسیت یاد بود این روز مهم به همه زحمتکشان و سندیکاهای ترکیه درود می‌فرستد و همبستگی کامل خود را با مبارزات زحمتکشان ترکیه برای احقاق حقوقشان، آزادی رهبران سندیکائی زندانی شده و تضمین کامل حقوق سندیکائی و دموکراتیک اعلام میدارد. ترور و اختناق که پس از بدست گرفتن حکومت بوسیله نظامیان در ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰، بوجود